

The Evolution of Historical Representation in Imagery: A Systematic Study of Visual Content in Iranian History Textbooks during the Qajar and Pahlavi Eras (1897–1941)

Amir Karimi¹

Abstract

The present study aims to investigate the discursive mechanisms of power and knowledge in the images of Iranian history textbooks, and conducts a statistical and content analysis of 2008 images from 76 history textbooks from the Qajar and Reza Shah periods. The data were obtained through systematic and documented collection from reliable sources, including the Ayatollah Boroujerdi Digital Library and the Agha Bozorg database. The theoretical framework of the study is based on the integration of Foucault's thought on discourse and regimes of truth drawing on Krippendorff's quantitative content analysis model with an interdisciplinary approach. The findings show that the images in textbooks were not a neutral representation of history, but a tool for producing and reproducing legitimate historical knowledge within the framework of the power order. In the Qajar period, representations focused more on the glory of the monarchy

1. Ph.D. Student of History, Faculty of Law and Social Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran. Amirkarimi1401@ms.tabrizu.ac.ir

Received: December 18, 2025 - Accepted: August 2, 2026



This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

and the continuity of tradition, while in the Reza Shah period, the image served the discourse of the modern state, nationalism, and cultural discipline. By combining statistical and discursive analysis, this research offers a new perspective for understanding power relations, historical memory, and visual education in Iran.

Keywords: History Textbooks, Visual Representation, Power/Knowledge, Qajar Period, Reza Shah Pahlavi, Quantitative Content Analysis.

مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ
فصلنامه علمی (مقاله پژوهشی)، سال هجدهم، شماره‌ی شصت و هشتم، تابستان ۱۴۰۵، صص ۹۳-۱۳۴

تحول بازنمایی تاریخ در تصویر؛ مطالعه‌ای نظام‌مند بر محتوای دیداری کتاب‌های درسی تاریخ ایران در دوره قاجار و پهلوی (۱۳۱۵ ق-۱۳۲۰ ش)

امیر کریمی^۱

چکیده

پژوهش حاضر با هدف واکاوی سازوکارهای گفتمانی قدرت و دانش در تصاویر کتاب‌های درسی تاریخ ایران، به تحلیل آماری و محتوایی ۲۰۰۸ تصویر از ۷۶ عنوان کتاب درسی تاریخ متعلق به دوره‌های قاجار و رضاشاه می‌پردازد؛ داده‌ها از طریق گردآوری نظام‌مند و مستند از منابع معتبر ازجمله کتابخانه دیجیتال آیت‌الله بروجردی و پایگاه آقابرگ به‌دست آمده است. چهارچوب نظری پژوهش بر تلفیق اندیشه فوکویی در باب گفتمان و رژیم‌های حقیقت با الگوی تحلیل محتوای کمی کریپندورف با رویکرد بین‌رشته‌ای استوار است. یافته‌ها نشان می‌دهد که تصویر در کتاب‌های درسی نه بازنمایی بی‌طرف تاریخ، بلکه ابزاری برای تولید و بازتولید دانش تاریخی مشروع در چهارچوب نظم قدرت بوده است. در دوره قاجار، بازنمایی‌ها بیشتر بر شکوه سلطنت و تداوم سنت متمرکز بوده؛ در حالی که در دوره رضاشاه، تصویر در خدمت گفتمان دولت مدرن، ملی‌گرایی و انضباط فرهنگی قرار گرفته است.

^۱ . دانشجوی دکترای تاریخ، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.
Amirkarimi1401@ms.tabrizu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۲۷- تاریخ تأیید: ۱۴۰۵/۰۵/۱۱



This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

این پژوهش با ترکیب تحلیل آماری و گفتمانی، چشم‌اندازی نو برای فهم مناسبات قدرت، حافظه تاریخی و آموزش دیداری در ایران ارائه می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: کتاب‌های درسی تاریخ، بازنمایی تصویری، قدرت/دانش، دوره قاجار، رضاشاه پهلوی، تحلیل محتوای کمی.

۱. مقدمه

در دهه‌های آغازین آموزش نوین در ایران، کتاب‌های درسی تاریخ نه تنها به مثابه ابزار آموزشی بلکه به منزله یکی از اصلی‌ترین وسایل دولت برای شکل‌دهی به حافظه جمعی، بازنمایی گذشته و تولید هویت ملی مورد استفاده قرار گرفتند. با ظهور آموزش رسمی در دوره قاجار و سپس نوسازی نظام آموزشی در دوره رضاشاه پهلوی، تصویر، به‌ویژه در کتاب‌های درسی تاریخ، به رسانه‌ای تبدیل شد که از طریق آن، روایت‌های خاصی از قدرت، مشروعیت، پیشرفت و تمدن بازتولید می‌شد؛ این تصاویر نه تنها حامل بازنمایی‌های دیداری از رویدادها و شخصیت‌ها هستند، بلکه در سطحی عمیق‌تر، نشانه‌هایی از نظم گفتمانی مسلط‌اند که حقیقت تاریخی را به شکلی خاص و جهت‌دار می‌سازد. در این میان، دو پرسش اساسی مطرح می‌شود: نخست، تصاویر کتاب‌های درسی تاریخ در دوره‌های قاجار و رضاشاه تا چه اندازه بازتاب‌دهنده تحولات سیاسی و ایدئولوژیک زمانه خود بوده‌اند؟ دوم، چه الگوهای کمی در نحوه بازنمایی عناصر تمدنی، نظامی، جغرافیایی و شخصیتی در این تصاویر وجود دارد که بتوان از خلال آن‌ها تغییرات گفتمانی در ساخت حافظه تاریخی رسمی را آشکار کرد؟ خلأ پژوهش‌های نظام‌مند آماری درباره محتوای تصویری کتاب‌های درسی تاریخ در ایران، به‌ویژه در پیوند با نظریه‌های گفتمان و قدرت، ضرورت انجام این پژوهش را دوچندان می‌سازد؛ در حالی که بسیاری از پژوهش‌ها به تحلیل کیفی متون تاریخی پرداخته‌اند، کمتر پژوهشی توانسته است رابطه میان کمیّت و گفتمان را در سطح تصویر و با اتکا به رویکردهای آماری و دیداری بررسی کند؛ از این‌رو، مطالعه حاضر با ترکیب رویکرد گفتمانی فوکویی^۱ و تحلیل محتوای کمی کریپندورف^۲

1. Foucault's Discourse Approach

2. Krippendorff's Quantitative Content Analysis

می‌کوشد نشان دهد که چگونه تصویر در کتاب‌های درسی تاریخ به مثابه یک سازوکار معرفتی، در خدمت تولید دانش رسمی و تثبیت نظم گفتمانی دولت مدرن قرار گرفته است. ضرورت انجام این پژوهش از چند منظر قابل تأکید است: نخست، از منظر تاریخی و آموزشی، تحلیل کمی تصاویر کتاب‌های درسی تاریخ در دو مقطع قاجار و رضاشاه پهلوی، امکان بازسازی فرایند تحول در سیاست‌های فرهنگی و آموزشی دولت را فراهم می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه تصویر به ابزاری برای مشروعیت‌بخشی به گفتمان‌های مسلط، از سنت مشروطه‌گرایی تا مدرنیزاسیون اقتدارگرا، تبدیل شده است. دوم، از منظر نظری، این پژوهش تلاشی برای ادغام روش‌های کمی در چهارچوب تحلیل گفتمانی است؛ امری که در مطالعات تاریخی و آموزشی ایران کمتر مورد توجه بوده است؛ سوم، از منظر اجتماعی، نتایج این پژوهش می‌تواند به بازناندیشی در محتوای آموزشی کنونی یاری رساند و ضرورت توجه به تعادل میان بازنمایی‌های فرهنگی، نظامی، جغرافیایی و شخصیتی را در آموزش تاریخ یادآور شود. هدف کلی پژوهش، تبیین الگوهای آماری بازنمایی چهار دسته تصویری (تمدنی، جنگ‌ها، نقشه‌ها و شخصیت‌ها) در کتاب‌های درسی تاریخ دوره قاجار و رضاشاه و تحلیل گفتمانی کارکردهای ایدئولوژیک آن‌هاست. اهداف ویژه نیز عبارت‌اند از:

۱) شناسایی فراوانی و نسبت هر یک از انواع تصاویر در دوره‌های مختلف؛ ۲) مقایسه تحولات کمی بازنمایی‌ها میان دو دوره تاریخی؛ ۳) تحلیل نحوه ارتباط میان نوع تصویر و گفتمان‌های قدرت و هویت ملی و ۴) تفسیر داده‌های آماری در پرتو نظریه قدرت/دانش فوکو و تحلیل محتوای کمی کریپندورف؛ بر این اساس، پرسش‌های اساسی پژوهش عبارت‌اند از:

۱. چه تفاوت‌های کمی و گفتمانی میان بازنمایی‌های تصویری کتاب‌های درسی تاریخ در دوره قاجار و رضاشاه وجود دارد؟

۲. هر یک از چهار دسته تصویری (تمدنی، جنگ‌ها، نقشه‌ها، شخصیت‌ها) چه نقشی در برساخت گفتمان‌های قدرت و هویت ایفا می‌کنند؟

۳. چگونه می‌توان از رهگذر تحلیل آماری تصاویر، ساختار تولید دانش تاریخی در آموزش رسمی را بازشناخت و تغییرات آن را در گذار از سنت به مدرنیته فهم کرد؟

۲. پیشینه پژوهش

مطالعه تاریخ آموزش رسمی و محتوای کتاب‌های درسی تاریخ در ایران، به‌ویژه در دوره‌های قاجار و پهلوی، در دو دهه اخیر توجه فزاینده‌ای را از سوی تاریخ‌نگاران، جامعه‌شناسان آموزش و پژوهشگران فرهنگ و هویت به‌خود جلب کرده است؛ مانند جعفریان (۱۴۰۳) در «تحلیل و تفسیر متن تاریخ ایران، دوره مقدماتی (۱۳۲۹ق/۱۹۱۱م) تألیف آقاشیخ عبدالرزاق مسئله‌گوی قمی»، سعیدی (۱۳۷۹) در «مقدمه‌ای بر سیر تحول کتاب‌های تاریخ در مدارس از دارالفنون تا پایان دوره پهلوی اول»، صفت‌گل (۱۳۷۸) در «تاریخ‌نویسی درسی در ایران از دارالفنون تا برافتادن فرمانروایی قاجاران»، پژوهش‌هایی همچون «تبارشناسی هویت جدید ایرانی (عصر قاجاریه و پهلوی اول)» از اکبری (۱۳۹۳) و «بازنمایی هویت نژادی در کتاب‌های درسی تاریخ مدارس ابتدایی و دبیرستان در دوره پهلوی اول» اثر بیگدلو و مرسلی (۱۳۹۶) به بررسی گفتمان ملی‌گرایی و ایدئولوژی پهلویسم در متون درسی پرداخته‌اند و نشان داده‌اند که چگونه آموزش تاریخ به ابزاری برای ملت‌سازی و مشروعیت‌بخشی به دولت مدرن تبدیل شد؛ در همین راستا، پژوهش اکبری و شکورق‌هاری (۱۳۹۱) «وجوه فرهنگی ایرانیت در متون درسی عصر پهلوی اول (کتاب‌های تاریخ، جغرافیا و ادبیات فارسی)» و همچنین مقاله «بازنمایی هویت نژادی در کتاب‌های درسی تاریخ مدارس ابتدایی و دبیرستان در دوره پهلوی اول»، از بیگدلو و مرسلی (۱۳۹۶) با تمرکز بر متون درسی عصر پهلوی اول، به بازنمایی هویت فرهنگی و نژادی ایرانی در کتاب‌های تاریخ و ادبیات پرداخته‌اند و از منظر تحلیل گفتمان، بر نقش ایدئولوژی در تنظیم محتوای آموزشی تأکید کرده‌اند.

از سوی دیگر، آثاری مانند «آسیب‌شناسی آموزش تاریخ در نظام تعلیم و تربیت ایران؛ بررسی موردی عصر قاجار تا پایان دوره رضاشاه» از عسکرانی (۱۳۸۹) و «آسیب‌شناسی تدوین کتب و مسائل آموزشی درس تاریخ در دوره رضاشاه» از حامدی (۱۳۹۲)، به‌طور خاص روند تاریخی آموزش تاریخ از دارالفنون تا پایان دوره رضاشاه را آسیب‌شناسی کرده‌اند و بر ضعف نگاه انتقادی، تمرکز تک‌روایتی و حذف صداها و متکثر در روایت تاریخ رسمی تأکید داشته‌اند. در مطالعات تطبیقی نیز پژوهش «مطالعه تطبیقی کارکردهای آموزش تاریخ در آلمان نازی و ایران دوره رضاشاه پهلوی» از کریمی، قدیمی قیداری و

سلماسی‌زاده (۱۴۰۳ب) کوشیده است کارکرد آموزش تاریخ در ایران رضاشاهی را با نظام آموزشی آلمان نازی مقایسه کند تا سازوکارهای ایدئولوژیک مشابه در تربیت شهروند مطیع و ملی‌گرا را آشکار سازد. در این میان، مطالعات تاریخی نظیر «گفت‌وگوهای تاریخ‌نگاری رسمی دوره پهلوی پیرامون رضاشاه» (ملائی توانی، ۱۳۹۵)، «چالش‌های تاریخ‌ورزی در ایران امروز» (ملائی توانی، ۱۴۰۰) و «تحول تاریخ‌نگاری در ایران معاصر: آموزش، ملی‌گرایی و فرهنگ نشر» (وجدانی، ۱۴۰۲) تاریخ‌نگاری رسمی و ساخت فرهنگی نظام آموزشی مدرن ایران را در چهارچوب پروژه دولت‌سازی و مدرنیزاسیون بررسی کرده‌اند؛ با وجود این، گستره مطالعات تقریباً تمامی این آثار بر تحلیل متنی، اسنادی یا گفت‌وگوانی تمرکز دارند و به جنبه‌های دیداری و تصویری آموزش تاریخ کمتر توجه کرده‌اند.

با نگاهی انتقادی به بدنه پژوهش‌های موجود، می‌توان گفت که اگرچه آثاری چون «ترسیم هویت ایرانی در کتاب‌های درسی ادبیات فارسی و تاریخ مقطع متوسطه ایران از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۴» (امیری و ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۹) و «ترسیم هویت ملی (ایرانی) در کتاب‌های درسی تاریخ متوسطه از سال ۱۳۴۳ تا ۱۳۸۵» (خسروانیان و ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۷) به بازنمایی هویت ملی در متون درسی اشاره کرده‌اند و برخی از مطالعات مانند «ترویج آموزه‌ها و مفاهیم ملی در محتوای کتاب‌های درسی تاریخ در عصر پهلوی دوم؛ کاربری نظریه تحلیل گفت‌وگوهای تاریخی روث وداک» (فرامرزی و دیگران، ۱۴۰۰) یا «تبار‌رمانتیکی گفت‌وگوهای ملت‌گرایی دوره پهلوی اول و آموزش هویت ملی در کتاب‌های درسی دبستان» (سلیمی، ۱۳۹۷) با رویکرد تحلیل گفت‌وگوهای تاریخی و ایدئولوژی ملی‌گرایی به بررسی محتوای نوشتاری کتاب‌های تاریخ پرداخته‌اند، اما هیچ‌یک به تحلیل نظام‌مند و آماری تصاویر در کتاب‌های درسی نپرداخته‌اند؛ در واقع، تحلیل تصویری در کتاب‌های تاریخ بیشتر به صورت توصیفی یا در چهارچوب نقد هنری پراکنده بوده است و پیوند میان داده‌های کمی و نظریه‌های گفت‌وگو و قدرت در سطح دیداری مغفول مانده است؛ بنابراین، پژوهش حاضر با گردآوری و تحلیل آماری بیش از دو هزار تصویر از کتاب‌های درسی تاریخ دوره قاجار و رضاشاه، نخستین تلاش علمی در جهت پیوند دادن تحلیل محتوای کمی کریپندورف با نظریه قدرت/دانش فوکو در مطالعه کتاب‌های درسی تاریخ ایران به‌شمار می‌رود.

۳. چهارچوب نظری

چهارچوب نظری این پژوهش مبتنی بر تلفیق دو رویکرد مکمل، یعنی نظریه گفتمان و قدرت/دانش در اندیشه میشل فوکو است؛ از منظر فوکو، هر نظام دانایی درون شبکه‌ای از روابط قدرت شکل می‌گیرد و آنچه در کتاب‌های درسی به صورت متن یا تصویر عرضه می‌شود، نه بازتابی از حقیقت تاریخی، بلکه نتیجه برساخت گفتمانی است که دولت و نهاد آموزش از طریق آن، نوع خاصی از حافظه تاریخی و هویت ملی را تولید و بازتولید می‌کنند (Foucault, 2020: 12, 35)؛ در این معنا، کتاب درسی تاریخ به منزله یکی از دستگاه‌های گفتمانی قدرت عمل می‌کند که از راه تصویر، دانش تاریخی مشروع و سوژه منضبط آموزشی را می‌سازد (Ruslan, 2024: 50).

در این پژوهش، مفهوم «گفتمان» به نظامی از قواعد، مفاهیم و شیوه‌های بازنمایی اطلاق می‌شود که امکان شکل‌گیری دانش درباره یک موضوع را فراهم می‌کند و تعیین می‌سازد چه روایت‌ها و گزاره‌هایی مشروع، معتبر و قابل پذیرش تلقی شوند؛ بر این اساس، گفتمان تنها مجموعه‌ای از متون یا گفتارها نیست، بلکه سازوکاری است که هم موضوعات شناخت را تولید می‌کند و هم حدود اندیشیدن و سخن گفتن درباره آن‌ها را مشخص می‌سازد. در همین چهارچوب، مفهوم «قدرت/دانش» بیانگر آن است که قدرت و دانش رابطه‌ای متقابل و سازنده دارند؛ به این معنا که دانش همواره در بستر مناسبات قدرت تولید می‌شود و در مقابل، خود به تثبیت، بازتولید و مشروعیت‌بخشی به آن مناسبات یاری می‌رساند؛ همچنین، «رژیم حقیقت» به مجموعه قواعد، نهادها و سازوکارهایی اشاره دارد که در هر جامعه تعیین می‌کنند چه نوع دانشی حقیقت تلقی شود، چه کسانی صلاحیت تولید آن را داشته باشند و کدام روایت‌ها از مشروعیت برخوردار شوند. برپایه این برداشت، کتاب‌های درسی تاریخ تنها ابزار انتقال اطلاعات تاریخی نیستند، بلکه بخشی از سازوکار تولید و بازتولید حقیقت رسمی به شمار می‌آیند؛ به گونه‌ای که از طریق انتخاب، سازمان‌دهی و بازنمایی متن و تصویر، روایت خاصی از گذشته را مشروعیت می‌بخشند و در شکل‌دهی حافظه تاریخی و هویت ملی نقش ایفا می‌کنند.

۴. روش‌شناسی

روش‌شناسی این پژوهش برپایه رویکرد کمی-توصیفی و تحلیل نظام‌مند محتوای تصویری کتاب‌های درسی تاریخ در دو مقطع زمانی عمده شامل دوره قاجار و سلطنت رضاشاه پهلوی استوار است. داده‌های پژوهش از طریق گردآوری هدفمند و نظام‌مند منابع اولیه تصویری به‌دست آمده و واحد تحلیل، تصویر مندرج در کتاب‌های درسی تاریخ است؛ در مرحله نخست، ۸۳۸ تصویر از ۳۷ عنوان کتاب درسی تاریخ مربوط به سال‌های ۱۳۱۵ قمری تا ۱۳۰۴ هجری شمسی (مقطع قاجار و آغاز دوران رضاشاه) استخراج و فهرست‌نویسی شد و در مرحله دوم نیز، ۱۱۷۰ تصویر از ۳۹ عنوان کتاب درسی تاریخ متعلق به سال‌های ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰ هجری شمسی (دوره حکومت رضاشاه) گردآوری شد.

فرایند گردآوری از طریق جست‌وجو و بازیابی نظام‌مند منابع در پایگاه‌ها و مراکز معتبر انجام شده است؛ از جمله پایگاه کتابخانه دیجیتال آیت‌الله بروجردی و پایگاه آقابزرگ (بانک اطلاعات کتب و نسخ خطی). تمام تصاویر دیجیتالی گردآوری شده پس از تأیید اصالت و نسبت‌دهی زمانی، در یک بانک داده استاندارد طبقه‌بندی شدند. در مرحله تحلیل، از روش تحلیل محتوای کمی با تمرکز بر شاخص‌های مرتبط با کارکردهای ایدئولوژیک و آموزشی تصویر استفاده شد. کدگذاری تصاویر بر اساس متغیرهایی نظیر موضوع تصویر، نوع بازنمایی (سیاسی، نظامی، فرهنگی، تاریخی)، کارکرد آموزشی، سطح رسمی‌سازی و بافت تاریخی صورت گرفت. برای افزایش دقت و پایایی، فرایند کدگذاری به‌صورت دو مرحله‌ای (پیش‌آزمون و آزمون اصلی) انجام و ضریب پایایی بین کدگذاران محاسبه شد. داده‌های نهایی با بهره‌گیری از روش‌های آماری توصیفی (فراوانی، درصد، نمودارهای توزیع) و تحلیلی مورد پردازش قرار گرفتند تا الگوهای گفتمانی و ایدئولوژیک حاکم بر تصاویر کتاب‌های درسی تاریخ در دوره‌های زمانی مختلف آشکار شود.

در ادامه، نظریه تحلیل محتوای کمی کریپندورف با تمرکز بر فرایند کدگذاری، کمی‌سازی و تفسیر داده‌های ارتباطی، چهارچوبی فراهم می‌آورد تا ساخت‌های گفتمانی و ایدئولوژیک نه تنها به‌صورت تفسیری، بلکه در قالب الگوهای آماری و فراوانی‌های تکرارشونده آشکار شوند (Krippendorff, 1989: 11). کریپندورف تحلیل محتوا را روشی برای آشکارسازی نظام‌مند ساخت اجتماعی معنا می‌داند و بر آن است که تکرار یا

برجستگی یک مضمون در داده‌ها، بازتابی از سازوکارهای تولید معنا و قدرت در بستر اجتماعی است (Krippendorff, 2018: 24). در پیوند این دو رویکرد، تصویر در کتاب‌های درسی تاریخ به منزله واحدی از دانش دیداری فهم می‌شود که در عین حال که از منطق گفتمانی و ایدئولوژیک تبعیت می‌کند (مطابق فوکو)، در سطح آماری نیز الگوهای بازنمایی آن قابل اندازه‌گیری، مقایسه و استنتاج‌اند (مطابق کریپندورف)؛ بدین سان، پژوهش حاضر با تکیه بر سنت فوکویی، به تحلیل نحوه شکل‌گیری رژیم‌های حقیقت تاریخی در نظام آموزشی ایران می‌پردازد و در عین حال، با اتکا به اصول کمی کریپندورف، می‌کوشد این نظام‌های بازنمایی را به داده‌های قابل مشاهده و آزمون‌پذیر تبدیل کند تا رابطه میان قدرت، تصویر و دانش تاریخی در بستر آموزش رسمی به صورت هم‌زمان در دو سطح نظری و آماری بازنمایی شود.

در این چهارچوب، چهار دسته تصویری پژوهش چنین معنا می‌یابند:

- تصاویر تمدنی: تجسم گفتمان پیشرفت و مشروعیت‌بخشی به پروژه مدرنیزاسیون دولت؛
- تصاویر جنگ‌ها: بازنمایی گفتمان قدرت نظامی، امنیت و تهدید خارجی؛
- نقشه‌ها: ابزار بصری کنترل معرفتی بر فضا و سرزمین به مثابه حقیقت؛
- تصاویر شخصیت‌ها: تولید سوزدهای تاریخی مثبت که حامل ارزش‌های اطاعت، نخبگی و وطن‌دوستی‌اند.

۵. تحلیل آماری تصاویر کتاب درسی تاریخ

۵-۱. دوره قاجار

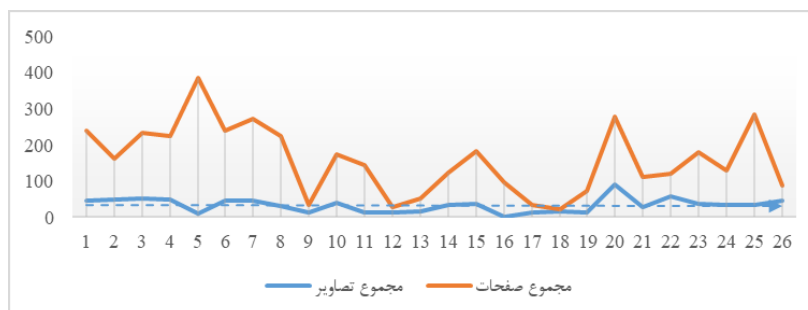
در ابتدا، ۳۷ مورد از کتاب‌های درسی تاریخ دوره قاجار مورد تحلیل و بررسی قرار گرفتند؛ باتوجه به اینکه کل صفحات ۵۸۲۴ صفحه است و در هر هفت صفحه یک تصویر گنجانده شده است، می‌توان گفت که نسبت تصاویر به کل صفحات برای آن دوره، کمابیش مناسب بوده است. در سال‌های مختلف، تعداد تصاویر و صفحات کتاب‌ها به طور قابل توجهی متفاوت است؛ برای مثال، در سال ۱۳۳۷ق، تعداد تصاویر به طرز چشمگیری افزایش یافته و به ۸۹ تصویر رسیده است؛ در حالی که در سال ۱۳۳۶ق هیچ تصویری وجود ندارد. این نشان‌دهنده تغییرات در رویکرد آموزشی و استفاده از محتوای بصری در کتاب‌های درسی است.

| تحول بازنمایی تاریخ در تصویر: مطالعه‌ای نظام‌مند بر محتوای دیداری کتاب‌های درسی تاریخ ایران | ۱۰۳

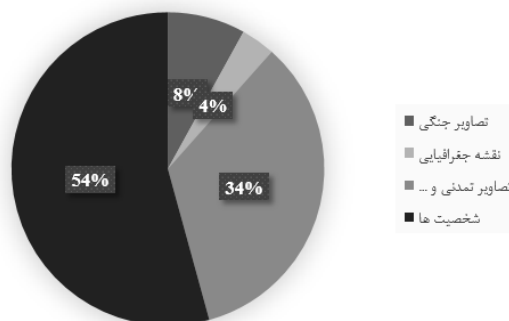
نسبت تصاویر به صفحات در سال‌های مختلف متفاوت است؛ برای مثال، در سال ۱۳۳۱ق، با نه تصویر در ۳۸۳ صفحه، نسبت تصاویر به صفحات بسیار پایین است. این مسئله نشان‌دهنده محتوای متنی سنگین و کمبود محتوای بصری است؛ در مقابل، در سال ۱۳۴۲ق با ۵۶ تصویر در ۱۱۹ صفحه، نسبت تصاویر به صفحات نسبتاً خوب است و نشان‌دهنده توجه بیشتر به محتوای بصری در آن سال است. افزایش تعداد تصاویر در سال‌های اخیر نشان‌دهنده تغییر رویکرد در آموزش و یادگیری است. در سال‌های ابتدایی، تعداد تصاویر کمتر بوده و این موضوع به روش‌های سنتی آموزش اشاره داشت که بیشتر بر روی متن متمرکز بوده است (برای نمونه بنگرید به: فروغی، ۱۳۱۵)، البته نباید محدودیت‌های چاپی را نیز از یاد برد. در سال ۱۳۳۴ق، تعداد زیادی کتاب با صفحات کم و تصاویر زیاد وجود دارد که نشان‌دهنده تغییرات در نوع محتوا و رویکرد آموزشی است (بنگرید به: بیرجندی، ۱۳۳۷)؛ همچنین، در سال ۱۳۳۶ق که هیچ تصویری وجود ندارد، به یک دوره خاص در آموزش اشاره می‌کند که بر روی متن متمرکز بوده است.

در ادامه نمودار (۱)، نشان‌دهنده تعداد صفحات (خط نارنجی) و تعداد تصاویر (خط آبی) در کتاب‌های درسی تاریخ مربوط به دوره قاجار است؛ باوجود نوسانات قابل توجه در تعداد صفحات کتاب‌ها، تعداد تصاویر در مقایسه بسیار کمتر و تقریباً در سطحی ثابت باقی مانده است. روند خط آبی نشان‌دهنده آن است که نسبت تصاویر به کل محتوای متنی پایین است و در برخی نمونه‌ها به‌ویژه در نقاطی مانند بازه‌های ۵، ۱۰ و ۲۰، اختلاف بین تعداد صفحات و تصاویر به‌صورت چشمگیری زیاد است. این موضوع حاکی از غلبه محتوای نوشتاری بر محتوای بصری در کتاب‌های درسی این دوره است که بیانگر رویکرد سنتی و متنی در آموزش تاریخ قاجار است. پس از تحلیل تعداد و درصد تصاویر در کتاب‌های درسی تاریخ دوره قاجار، حال تصاویر کتاب هستند که عرصه جدیدی را از توجه حکومت و وزارت معارف به این موضوع خواهند داشت (صورت مذاکرات جلسات شورای عالی آموزش و پرورش (معارف)، ۱۳۰۲: جلسه ۲۸).

۱. این اعداد هر یک نشان‌دهنده یک کتاب درسی تاریخ است و جهت ایجاد سهولت برای خوانندگان از اعداد استفاده شد.

(نمودار-۱): نسبت درج تصاویر به صفحات کتاب درسی تاریخ دوره قاجار^۱

در میان تصاویر بر اساس نمودار (۲)، تصاویر جنگی درصد نسبتاً کمی از کل تصاویر را به خود اختصاص داده است و نشان می‌دهد که تمرکز کتاب‌های درسی بر روی جنبه‌های نظامی و جنگی تاریخ قاجار کمتر از سایر جنبه‌ها بوده است و ممکن است به دلیل تأکید بر جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی تاریخ ایران و جهان باشد. در مورد نقشه جغرافیایی نیز این درصد بسیار پایین نشان‌دهنده این است که نقشه‌های جغرافیایی در این کتاب‌ها به ندرت استفاده شده‌اند. این نکته به نبود توجه کافی به جغرافیای سیاسی و اجتماعی در کتب قاجار اشاره می‌کند که برای درک بهتر تاریخ ایران و جهان مهم است.



(نمودار-۲): نسبت تصاویر چهارگانه در کتاب درسی تاریخ دوره قاجار

در ادامه، تصاویر تمدنی دومین سهم را در میان تصاویر دارد و نشان‌دهنده تأکید بر جنبه‌های فرهنگی، هنری و اجتماعی تاریخ است که شامل معماری، هنر، ادبیات و سایر جنبه‌های تمدنی است که به درک بهتر دانش‌آموزان از زندگی روزمره و فرهنگ مردم آن زمان معطوف است (کازرونی، ۱۳۳۲). شخصیت‌ها بیشترین درصد را به خود اختصاص داده و

۱. هر عدد نمودار، نماد یک کتاب درسی است، اما چینش بر اساس زمان است.

| تحول بازنمایی تاریخ در تصویر؛ مطالعه‌ای نظام‌مند بر محتوای دیداری کتاب‌های درسی تاریخ ایران | ۱۰۵

نشان‌دهنده اهمیت شخصیت‌های تاریخی در کتاب‌های درسی است؛ همچون اسکندر مقدونی که تنها تصویر کتاب درسی فروغی (۱۳۱۵) است؛ تصویر (۱). این گروه شامل شخصیت‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی همچون آقامحمدخان، سید طباطبایی و احمدشاه قاجار است که نقش مهمی در تاریخ ایفا کرده‌اند؛ تصاویر (۲-۴) (میرزا حسین‌خان، ۱۳۲۷). مجموع تصاویر نشان‌دهنده تنوع و غنای محتوای بصری کتاب‌های درسی است. حال پس از بررسی جامع و کل‌نگرانه، حوزه تصاویر کتاب‌های درسی تاریخ این دوره نیازمند بررسی دقیق‌تر انواع مختلف آن‌هاست که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود.



(تصویر ۱): تصویر اسکندر در ابتدای کتاب درسی (فروغی، ۱۳۱۵: صفحه آغازین)



شروع **ایمپراتور شاه**
(تصویر-۴): احمد شاه قاجار
(همان، ۲۳۵)



شروع **سید آقا سیدعلی‌محمد**
(تصویر-۳): سید عبدالله طباطبایی
(همان، ۱۹۶)



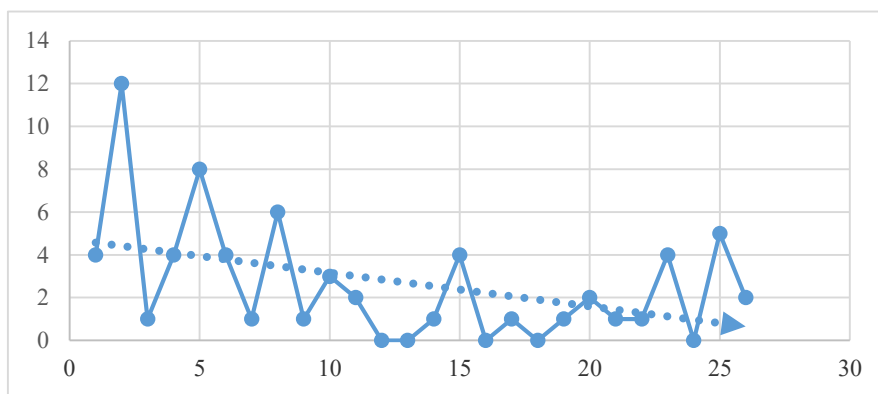
شروع **میرزا آقا**
(تصویر-۲): آقا محمدخان قاجار
(میرزا حسین‌خان، ۱۳۲۷: ۱۶۲)

روند تعداد تصاویر جنگی در کتاب‌های درسی تاریخ نشان‌دهنده نوسانات قابل توجهی است؛ مانند تصویر سربازان هخامنشی به عنوان مظهری از ملی‌گرایی باستان؛ تصویر (۵) و نمودار (۳). در سال ۱۳۲۷ق (نقطه ۴)، تعداد تصاویر جنگی به چهار عدد رسید و در سال

۱۳۲۸ق به دوازده تصویر افزایش یافت که نشان‌دهنده توجه بیشتر به موضوعات جنگی در آن زمان است؛ این روند در سال‌های بعدی نیز ادامه یافت و در سال ۱۳۳۱ق به هشت و چهار تصویر رسید؛ با این حال، در سال‌های ۱۳۳۴ق و ۱۳۳۶ق، تعداد تصاویر به صفر کاهش یافت که نشان‌دهنده تغییر در رویکرد آموزشی یا کاهش تمرکز بر روی موضوعات جنگی است. در سال‌های بعد از ۱۳۳۶ق، تعداد تصاویر دوباره به یک و چهار افزایش یافت، اما همچنان نوساناتی در این روند مشاهده می‌شود. این نوسانات در تعداد تصاویر جنگی به چندین عامل مرتبط است: نخست، تغییرات سیاسی و اجتماعی در کشور بر محتوای آموزشی و انتخاب تصاویر تأثیر می‌گذارد؛ برای مثال، در دوره‌هایی که جنگ‌ها و بحران‌های اجتماعی بیشتر در کانون توجه قرار دارند، ممکن است، تعداد تصاویر جنگی افزایش یابد (میرزا حسین خان، چاپ اول، ۱۳۲۷ و چاپ سوم، ۱۳۳۱).



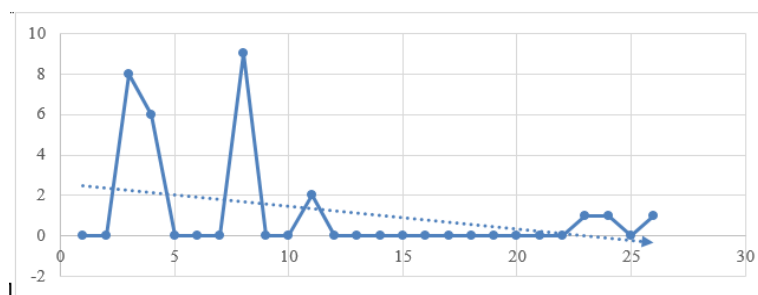
(تصویر-۵): سرباز ایرانی در دوره باستان (میرزا حسین خان، ۱۳۲۷: ۲۰)



(نمودار-۳): روند درج تصاویر جنگی در کتاب‌های درسی تاریخ دوره قاجار

تحول بازنمایی تاریخ در تصویر؛ مطالعه‌ای نظام‌مند بر محتوای دیداری کتاب‌های درسی تاریخ ایران | ۱۰۷

از سوی دیگر، کاهش تعداد تصاویر در برخی سال‌ها می‌تواند نشان‌دهنده تلاش برای کاهش تمرکز بر روی خشونت و جنگ باشد و به‌جای آن، توجه به موضوعات دیگر مانند صلح و همزیستی را افزایش دهد؛ همچنین، این نوسانات می‌تواند به تغییرات در سیاست‌های آموزشی و رویکردهای مختلف در تدریس تاریخ مرتبط باشد.



(نمودار-۴): روند درج نقشه‌های جغرافیایی در کتاب‌های درسی تاریخ دوره قاجار

در نمودار (۴)، تعداد نقشه‌های جغرافیایی در سال‌های مختلف متفاوت است؛ به‌طورکلی، در سال‌های اولیه مانند ۱۳۲۷ق (نقطه دوم) تعداد نقشه‌ها صفر است که نشان‌دهنده کم‌توجهی به جغرافیا در آن زمان است، اما در سال ۱۳۲۸ق، کتابی از میرزا سید علی‌خان (۱۲۷۴-۱۳۴۰ق) با هشت نقشه وجود دارد که نشان‌دهنده افزایش توجه به جغرافیا در این سال است. در سال ۱۳۳۳ق با درج نه نقشه از میرزا حسین خان (قرن ۱۴ق)، نقطه عطفی در این روند بود؛ این افزایش می‌تواند به تحولات سیاسی یا اجتماعی آن زمان مرتبط باشد که نیاز به اطلاعات جغرافیایی را افزایش داده است، آنچه در درج نقشه‌های دقیق و کاربردی همچون نقشه‌های آفریقا و آسیا مشاهده می‌شود؛ تصاویر (۶-۷).

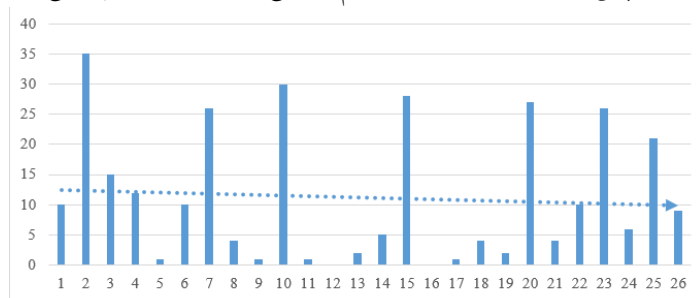


(تصویر-۷): نقشه آسیا (همان، ۱۹۱۳)



(تصویر-۶): نقشه آفریقا (سید علی‌خان، ۱۳۲۹: ۱۷۳)

در ادامه، در سال‌های پس از ۱۳۳۴ق، تعداد نقشه‌ها به طور قابل توجهی کاهش می‌یابد و بیشتر سال‌ها با تعداد صفر یا یک نقشه همراه است. این کاهش نشان‌دهنده کاهش توجه به جغرافیا یا تغییر در رویکرد آموزشی یا مشکلات مربوط به چاپ است. در سال ۱۳۴۳ق، دو نقشه در کتاب‌های فروغی (۱۳۴۳) و امید (۱۳۴۳) وجود دارد که نشان‌دهنده توجه به جغرافیا در آن سال است. در نقد این یافته باید اشاره شود که باوجود اینکه برخی از سال‌ها تعداد نقشه‌ها افزایش یافته، اما تنوع نقشه‌ها و منابع در بسیاری از سال‌ها محدود است که به نبود تنوع در دیدگاه‌های جغرافیایی و تاریخی منجر می‌شود (بیرجندی، ۱۳۳۷). کاهش تعداد نقشه‌ها در سال‌های پس از ۱۳۳۴ق نشان‌دهنده کم‌توجهی به تحولات جغرافیایی است.



(نمودار-۵): روند درج تصاویر تمدنی و... در کتاب‌های درسی تاریخ دوره قاجار

روند تعداد تصاویر تمدنی نیز در کتاب‌های درسی تاریخ نشان‌دهنده نوسانات قابل توجهی است؛ نمودار (۵). در سال ۱۳۲۷ق، تعداد تصاویر تمدنی ده عدد بود که در سال ۱۳۲۸ق به ۳۵ تصویر افزایش یافت که نشان‌دهنده توجه بیشتر به جنبه‌های تمدنی و فرهنگی در آن زمان است.

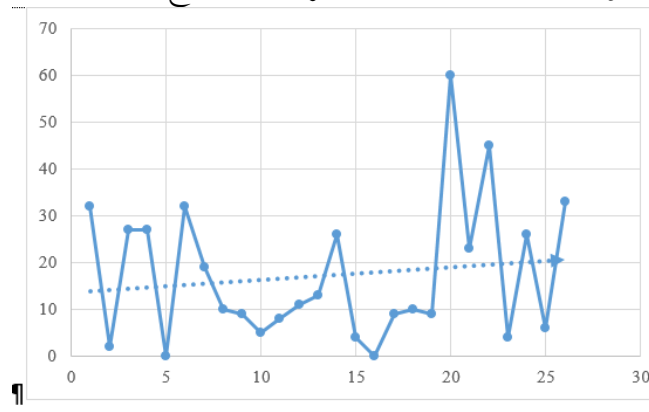


(تصویر-۸): نمایی از اهرام مصر (لاویس، ۱۳۳۱: ۶)

این روند در سال ۱۳۲۹ق به دوازده تصویر کاهش یافت و در سال ۱۳۳۱ق به یک

تصویر رسید که نشان‌دهنده کاهش تمرکز بر روی موضوعات تمدنی است؛ همچون نمایی از اهرام ثلاثه مصر باستان؛ تصویر (۸)؛ اما در سال‌های بعد، به‌ویژه در سال ۱۳۳۴ق، تعداد تصاویر به سی تصویر افزایش یافت و سپس دوباره به صفر کاهش یافت.

در سال‌های ۱۳۳۵ق و ۱۳۳۷ق، تعداد تصاویر به پنج و ۲۷ تصویر رسید (بیرجندی، ۱۳۳۷) که نشان‌دهنده نوسانات مجدد در توجه به موضوعات تمدنی است؛ درنهایت، در سال‌های ۱۳۴۱ق و ۱۳۴۲ق، تعداد تصاویر به چهار و ده افزایش یافت و در سال ۱۳۴۳ق به ۲۶ تصویر رسید. داده‌های مربوط به روند تصاویر تمدنی در کتاب‌های درسی نشان‌دهنده توزیع نابرابر توجه به جنبه‌های مختلف تمدن‌ها است. به‌طور خاص، عدد ۳۵ به یک جنبه یا دوره‌های تمدنی بسیار مهم اشاره دارد که در محتوای آموزشی تأثیر زیادی داشته است؛ درمقابل، اعداد پایین‌تر (مانند صفر و یک) نشان‌دهنده جنبه‌هایی هستند که به‌طور قابل توجهی نادیده گرفته شده‌اند؛ همچنین، وجود اعداد بالای دیگر (مانند ۳۰، ۲۸ و ۲۷) نشان‌دهنده توجه به جنبه‌های کلیدی و تأثیرگذار در تاریخ تمدن‌ها است.

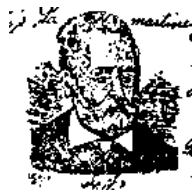


(نمودار ۶-): روند درج تصاویر شخصیت‌های تاریخی در کتاب‌های درسی تاریخ دوره قاجار

در ادامه، روند تعداد تصاویر شخصیت‌های تاریخی در کتاب‌های درسی تاریخ از سال ۱۳۲۷ تا ۱۳۴۳ نشان‌دهنده نوسانات قابل توجهی است. در سال ۱۳۲۷ق، تعداد تصاویر ۳۲ عدد بود که به تدریج در سال‌های بعدی افزایش و کاهش‌هایی را تجربه کرد؛ برای مثال، در سال ۱۳۳۱ تعداد تصاویر به صفر رسید، اما در سال‌های بعدی به تدریج افزایش یافت و در سال ۱۳۳۷ به اوج خود با شصت تصویر رسید؛ نمودار (۶). این روند نشان‌دهنده توجه متغیر به شخصیت‌های تاریخی و اهمیت آن‌ها در آموزش تاریخ در دوره‌های مختلف است.



(تصویر-۱۲): لویی
پاستور (همان، ۱۸۸)



(تصویر-۱۱): ویکتور
هوگو (همان، ۱۹۶)



(تصویر-۱۰): بنجامین
فرانکلین (همان، ۱۳۲)



(تصویر-۹): رافائل (سید)
علی خان، ۱۳۲۹: ۹۲

روند درج تصاویر شخصیت‌های تاریخی در کتاب‌های درسی نشان‌دهنده روند صعودی و توزیع نابرابر توجه به شخصیت‌های مختلف، شامل همه شاهان، وزیران، متفکران، دانشمندان و هنرمندان است؛ تصاویر (۹ تا ۱۲). به طور خاص، عدد شصت تصویر به تعداد زیادی از اشخاص تاریخی اشاره دارد که احتمالاً تأثیر زیادی بر تاریخ داشته است؛ درحالی‌که اعداد پایین‌تر (مانند صفر و دو) نشان‌دهنده شخصیت‌هایی هستند که به طور قابل توجهی نادیده گرفته شده‌اند؛ همچنین، وجود اعداد بالای دیگر (مانند ۳۲، ۲۷ و ۴۵) نشان‌دهنده شخصیت‌های کلیدی و تأثیرگذار در تاریخ است که در متون درسی بیشتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. این نوسانات در اعداد به تغییرات در رویکردهای آموزشی و اولویت‌های تاریخی اشاره دارد؛ به طوری‌که برخی شخصیت‌ها به عنوان نمادهای ملی یا فرهنگی در دوره‌های خاصی از تاریخ ایران و جهان برجسته‌تر شده‌اند. به طور کلی، کتاب‌های درسی تاریخ دوره قاجار بیشتر بر جنبه‌های تمدنی و شخصیت‌های تاریخی تأکید دارند و کمتر به جنبه‌های نظامی و جغرافیایی پرداخته‌اند؛ این موضوع به دلیل هدف آموزشی این کتاب‌ها است که بیشتر بر روی فرهنگ و تمدن و تأثیر شخصیت‌های تاریخی بر جامعه تمرکز دارد؛ همچنین، کمبود نقشه‌های جغرافیایی به نبود توجه کافی به زمینه‌های جغرافیایی و سیاسی تاریخ اشاره دارد؛ (بنگرید به: کتاب درسی دوره ابتدایی از فروغی، ۱۳۱۸).

تحلیل ۸۳۸ تصویر از ۳۷ عنوان کتاب درسی دوره قاجار نشان می‌دهد که تصاویر از نظر بسامد و تنوع، در سطحی محدود، اما معنادار قرار دارند. این کم‌حجمی تصویری را می‌توان هم ناشی از محدودیت‌های فنی دانست و نیز آن را بازتابی از رژیم دانایی سنتی در آموزش تاریخی ایران تفسیر کرد. در این رژیم، معرفت تاریخی از طریق روایت شفاهی و متنی انتقال می‌یابد و تصویر، نقشی ثانویه و تزینی دارد (بنگرید به: تهرانی، بی‌تا؛ حکیم‌الهی

دوره هخامنشی و ساسانی؛ در سوی دیگر، کم‌رنگ‌بودن تصاویر جنگ‌ها و نقشه‌ها نشان‌دهنده غیبت گفتمان دولت-ملت است؛ زیرا هنوز مرزهای سیاسی و نظامی در تخیل آموزشی جایگاهی نیافته‌اند. تصویر قهرمانان یا شخصیت‌ها نیز تابع همین منطق است (همچون تصاویر شاپور، کوروش و نادرشاه و موارد این چنینی)؛ آن‌ها نه کنشگران سیاسی یا نظامی، بلکه حاملان فضیلت و ادب‌اند؛ در نتیجه، تصویر در این دوره نه بازنماینده قدرت مدرن، بلکه بازتولیدکننده ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی است (بنگرید به: مترجم السلطنه، ۱۳۳۵؛ فروغی، ۱۳۴۳)؛ به بیان دیگر، گفتمان مسلط، قدرت را در چهره فرهنگ و شرافت می‌بیند، نه در ساختارهای دولت و قلمرو.

نتایج حاکی از آن است که در کتاب‌های درسی تاریخ این دوره، تصویر به‌عنوان نشانه توضیحی متن به‌کار می‌رود و هنوز به مقام نشانه مستقل دانایی نرسیده است و نشان می‌دهد که آموزش تاریخ در چهارچوب رژیم حقیقت سستی عمل می‌کند؛ رژیمی که در آن، دانش تاریخی به‌صورت سلسله‌مراتبی از منبع (پادشاه، عناصر قدرت و مؤلف) به مخاطب منتقل می‌شود. در چنین گفتمانی، تصویر فاقد قدرت تولید معناست و تنها وظیفه تأیید متن را برعهده دارد. از منظر فوکویی، می‌توان گفت تصویر در این دوره بخشی از سکوت گفتمان است، نه زبان آن (Foucault, 1971: 75, 86). تصویر آن‌قدر در خدمت متن است که به‌ندرت امکانی برای مقاومت یا بازتعریف معنا فراهم می‌کند؛ بدین ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت که در آموزش تاریخ دوره قاجار، تصویر هنوز وارد اقتصاد قدرت-دانش نشده است و از این‌رو، ساختار دیداری آموزش تاریخی را باید در مرحله پیشامدرن ارزیابی کرد.

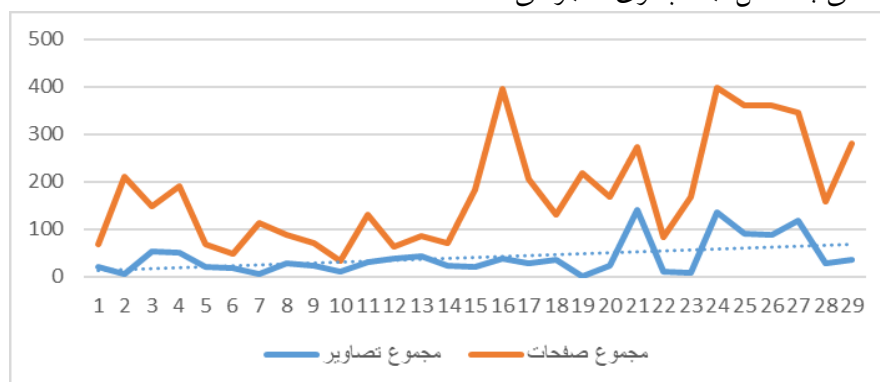
۵-۲. دوره رضاشاه

نتایج تحلیل ۳۹ مورد از کتاب‌های درسی تاریخ دوره رضاشاه نشان‌دهنده توزیع محتوای مختلف در این کتاب‌ها است؛ باتوجه به کل صفحات بررسی‌شده که ۷۰۶۲ صفحه است و تعداد تصاویر ۱۱۷۰ می‌توان نتیجه گرفت که در هر شش صفحه یک تصویر درج شده است.

در سال‌های مختلف، تعداد تصاویر و صفحات کتاب‌ها به‌طور قابل‌توجهی متفاوت است؛ برای مثال، در سال ۱۳۱۸، تعداد تصاویر به‌طور چشمگیری افزایش یافته و به ۱۴۲ و

۱۳۷ تصویر رسیده است (بنگرید به: شیبانی، ۱۳۱۸؛ وزارت فرهنگ، ۱۳۱۸). این نشان‌دهنده توجه بیشتر به استفاده از تصاویر در کتاب‌های درسی در این سال است؛ همچنین، در سال ۱۳۱۵ شمسی، یکی از کتاب‌ها با ۳۹۶ صفحه، بیشترین تعداد صفحات را دارد که نشان‌دهنده محتوای غنی‌تر یا نیاز به توضیحات بیشتر در آن سال است. نسبت تصاویر به صفحات در سال‌های مختلف متفاوت است؛ برای مثال، در سال ۱۳۴۷ق، با ۵۲ تصویر در ۱۴۸ صفحه، نسبت تصاویر به صفحات نسبتاً خوب است (خسرو پور، ۱۳۴۷ق)؛ اما در سال ۱۳۰۵، با پنج تصویر در ۲۱۰ صفحه، این نسبت بسیار پایین است و نشان‌دهنده کمبود محتوای بصری در آن سال است. در سال ۱۳۱۸، با وجود تعداد بالای تصاویر، تعداد صفحات نیز زیاد است (همچون پرویز، ۱۳۱۷) که به غنای محتوای آموزشی اشاره دارد.

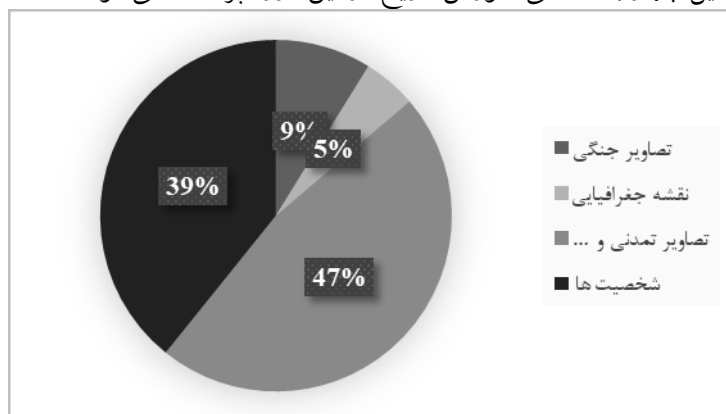
افزایش تعداد تصاویر در سال‌های اخیر نشان‌دهنده تغییر رویکرد در آموزش و یادگیری است. در سال‌های ابتدایی، تعداد تصاویر کمتر بوده و به روش‌های سنتی آموزش اشاره داشته است که بیشتر بر روی متن متمرکز بوده است (وزارت فرهنگ، ۱۳۱۹الف؛ وزارت فرهنگ، ۱۳۱۹ب؛ یاسمی، ۱۳۲۰). به‌طور کلی، تغییرات مثبت در رویکرد آموزشی و توجه به محتوای بصری در کتاب‌های درسی قابل مشاهده بود و این تغییرات به بهبود کیفیت آموزش و یادگیری و به درک درست مفاهیم تاریخی و فرهنگی به شکل جذاب‌تری منجر می‌شدند.



(نمودار-۷): نسبت تصاویر به صفحات کتاب درسی تاریخ دوره رضاشاه

در نمودار (۷)، دو خط نمایش داده شده است؛ خط نارنجی بیانگر مجموع صفحات و خط آبی نشان‌دهنده مجموع تصاویر است؛ برخلاف دوره قاجار، در این نمودار روند افزایشی ملایم در تعداد تصاویر مشهود است که با خط روند آبی نشان داده شده است؛ این

افزایش اگرچه یکنواخت و نه‌چندان سریع است، اما بیانگر توجه نسبی بیشتر به استفاده از عناصر بصری در کتاب‌های تاریخ مربوط به دوره رضاشاه در مقایسه با دوره قاجار است؛ همچنین در برخی نقاط مانند بازه‌های ۲۱ تا ۲۶ (که اواخر دوره رضاشاه را دربرمی‌گیرد)، تعداد تصاویر با افزایش محسوسی مواجه شده که هم‌زمان با افزایش تعداد صفحات است. این هم‌زمانی نشان‌دهنده تلاش برای متوازن‌سازی محتواهای نوشتاری و تصویری در برخی بخش‌ها است؛ بااین‌حال، هنوز نسبت تصاویر به صفحات در بیشتر موارد پایین است و محتوای متنی غالب است؛ اگرچه در دوره رضاشاه نسبت به دوره قاجار استفاده بیشتری از تصاویر شده، اما هنوز تصاویر نقش حاشیه‌ای در کتاب‌های درسی تاریخ دارند، اما جای کار بیشتری برای غنی‌سازی بصری محتوا وجود داشت. تصاویر کتاب‌های درسی تاریخ دوره رضاشاه موضوع بعدی است که توجه پژوهشگران را به خود جلب کرده است و در ادامه به تحلیل چهار بعد اصلی آموزش تاریخ در این دوره پرداخته می‌شود.

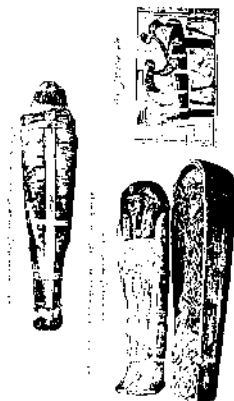


(نمودار-۸): نسبت تصاویر چهارگانه در کتاب درسی تاریخ دوره رضاشاه

در میان تصاویر، بالاترین درصد به تصاویر تمدنی با ۴۸ درصد اختصاص دارد که نشان‌دهنده تمرکز زیاد بر روی جنبه‌های فرهنگی، اجتماعی و تمدنی تاریخ دوره رضاشاه است؛ نمودار (۸). این یافته به اهمیت فرهنگ و تمدن در این دوره اشاره کند و نشان می‌دهد که نویسندگان کتاب‌ها سعی در ارائه تصویری جامع از زندگی اجتماعی و فرهنگی آن زمان دارند (ستون‌ها، برج‌ها، مساجد و مقبره‌ها نمونه‌هایی از این موارد هستند)؛ تصاویر (۱۳ تا ۱۶). درصد قابل توجهی (چهل درصد) از محتوا به شخصیت‌های تاریخی اختصاص یافته است؛ پس شخصیت‌های کلیدی و تأثیرگذار در تاریخ دوره رضاشاه به‌طور جدی

تحول بازنمایی تاریخ در تصویر؛ مطالعه‌ای نظام‌مند بر محتوای دیداری کتاب‌های درسی تاریخ ایران | ۱۱۵

مورد بررسی قرار گرفته‌اند و اهمیت آن‌ها در شکل‌گیری تاریخ این دوره مورد تأکید قرار داشت (کریمی، ۱۴۰۴: ج ۱).



(تصویر-۱۶): مومیایی در مصر باستان (همان، ۱۶)



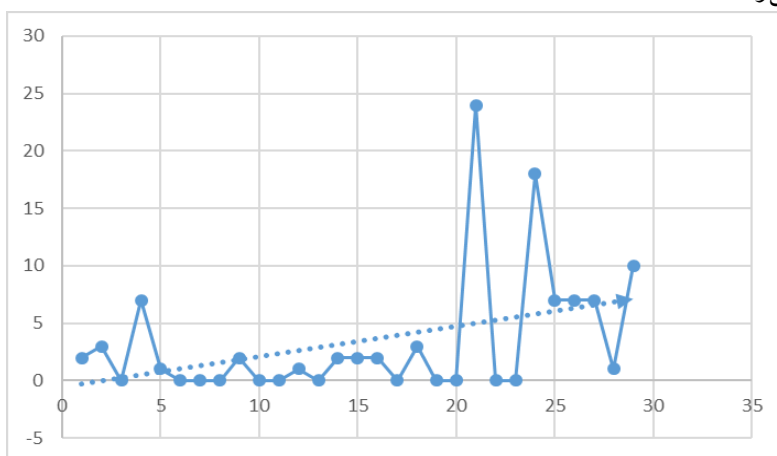
(تصویر-۱۵): بنای مصر باستان (شیبانی، ۱۳۱۸: ۲۰)



(تصویر-۱۷): لشکریان (تصویر-۱۸): سربازان یونانی (تصویر-۱۹): سرباز (تصویر-۲۰): سربازان رومی
(شور، فروغی، ۱۳۰۷: ۲۴) (همان، ۳۶) رومی، (همان، ۴۹) (شیبانی، ۱۳۱۸: ۱۴۸)

تصاویر جنگی با نُه درصد بیانگر توجه به جنبه‌های نظامی و جنگی در این کتاب‌ها نسبتاً کم است. این موضوع به این معنا است که کتاب‌ها بیشتر بر روی جنبه‌های دیگر تاریخ تمرکز دارند؛ تصاویر (۱۷ تا ۲۰) و جنگ‌ها به عنوان یک بخش فرعی در نظر گرفته نشده‌اند؛ زیرا گرچه به لحاظ آماری در کمترین تعداد هستند، اما نُه درصد برای این مؤلفه بیش از نیاز تلقی می‌شود؛ همچنین درصد بسیار پایین نقشه جغرافیایی با پنج درصد نشان‌دهنده این است که جغرافیا و نقشه‌ها در این کتاب‌ها به طور محدود مورد استفاده قرار گرفته‌اند که به کم‌توجهی به زمینه‌های جغرافیایی و تأثیر آن بر تاریخ اشاره کند؛ اگرچه تا حدی نیز نمی‌توان تمام کتاب درسی را مملو از نقشه جغرافیایی کرد؛ نمونه‌های ایدئال استفاده از نقشه در کتاب‌ها شامل کتاب *تاریخ سال اول دبیرستان‌ها* (وزارت فرهنگ،

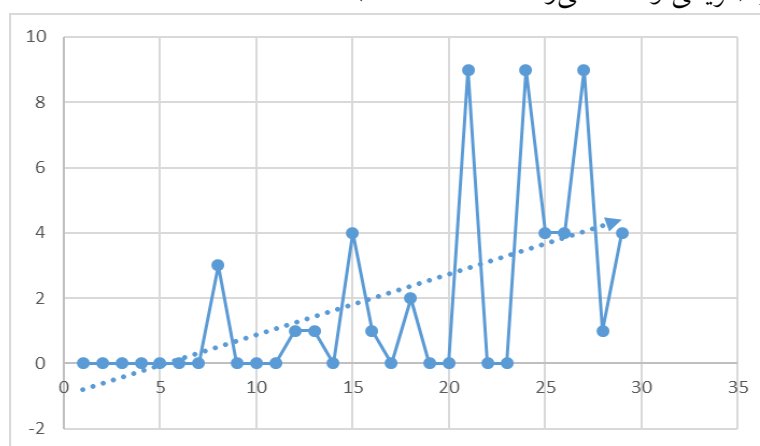
۱۳۱۸)، تاریخ سال اول دبیرستان (شیبانی، ۱۳۱۸) و تاریخ: سوم دبیرستان‌ها (وزارت فرهنگ، ۱۳۱۹) است. به‌طور کلی، این تحلیل نشان داد که کتاب‌های درسی تاریخ دوره رضاشاه بیشتر بر جنبه‌های تمدنی و شخصیت‌های تاریخی تمرکز دارند و توجه کمتری به جنبه‌های نظامی و جغرافیایی دارند؛ اگرچه نباید فراموش کرد؛ باوجود این آمار در مقیاس با قاجار، نظامی‌گری بارزتر است و در این قسمت آمارها گمراه‌کننده‌اند (کریمی و سلماسی‌زاده، ۱۴۰۳ الف: ۱-۴).



(نمودار ۹-): روند درج تصاویر جنگی در کتاب‌های درسی تاریخ دوره رضاشاه پهلوی

در ابتدا، تعداد تصاویر جنگی در سال‌های اولیه (۱۳۰۵ و ۱۳۰۶ شمسی) نسبتاً کم است؛ نمودار (۹)؛ اما در سال ۱۳۰۷، تعداد تصاویر به هفت افزایش می‌یابد. این افزایش ممکن است به توجه بیشتر به جنبه‌های نظامی و جنگی در آن زمان اشاره کند. سال ۱۳۱۸ش با ۲۴ تصویر، اوج تعداد تصاویر جنگی را نشان می‌دهد و تعداد تصاویر سربازان مصری، آشوری، ایرانی و رومی زیاد است؛ تصویر (۲۰). (بنگرید به: وزارت فرهنگ، ۱۳۱۸). این افزایش تعداد تصاویر جنگی، به تحولات سیاسی و اجتماعی آن زمان و نیاز به مستندسازی وقایع جنگی مرتبط است. پس از سال ۱۳۱۸ش، تعداد تصاویر جنگی به‌طور قابل‌توجهی کاهش می‌یابد و در سال ۱۳۲۰ به یک تصویر می‌رسد. در سال‌های ۱۳۱۵ و ۱۳۱۶ شمسی، تعداد تصاویر نسبتاً ثابت است، اما در سال‌های بعدی نوسانات زیادی مشاهده می‌شود. روند تصاویر جنگی در کتاب‌های درسی تاریخ دوره رضاشاه نشان‌دهنده تغییرات در توجه به جنبه‌های نظامی و جنگی در آموزش تاریخ است. اوج تصاویر در سال ۱۳۱۸ش و

کاهش بعدی آن را نمی‌توان با استدلال خاصی تبیین کرد؛ پس در دوره رضا شاه، ایران با چالش‌های سیاسی و نظامی متعددی مواجه بود و یا به نوعی خواهان رخنه ملی‌گرایی به نوع نظامی در کتب درسی بوده است. افزایش تصاویر جنگی در سال ۱۳۱۸ش به جنگ‌ها و درگیری‌های خاصی که در آن زمان رخ داده یا تشدید تمایل نویسندگان به نظامی‌گری، مرتبط بود (کریمی و سلماسی‌زاده، ۱۴۰۳الف: ۱۰).



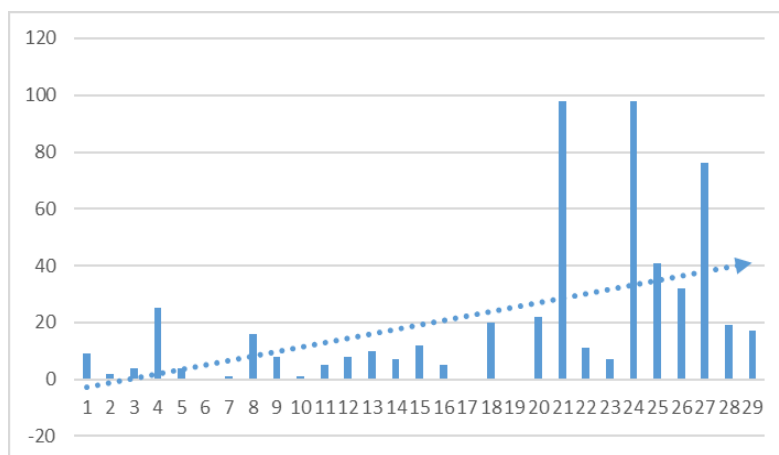
(نمودار-۱۰): روند درج نقشه‌های جغرافیایی در کتاب‌های درسی تاریخ دوره رضاشاه پهلوی

در مورد نقشه‌های جغرافیایی درج‌شده در کتاب‌های درسی می‌توان گفت، در کل روند درج نقشه‌ها بر اساس نمودار کاملاً صعودی است؛ نمودار (۱۰) و در سال‌های مختلف، تعداد نقشه‌ها متفاوت است؛ برای مثال، در سال ۱۳۱۵شمسی، تعداد نقشه‌ها به چهار می‌رسد (فرهودی، ۱۳۱۵) که نشان‌دهنده توجه بیشتر به جغرافیا در آن سال‌هاست. برخی سال‌ها مانند ۱۳۴۵ و ۱۳۴۷قمری، نقشه‌ها به‌طور مکرر تکرار نمی‌شوند و تعداد درج نقشه در این سال‌ها صفر است. این نشان‌دهنده نبود ثبات در اطلاعات جغرافیایی یا نبود تغییرات عمده در آن سال‌ها است. در سال ۱۳۱۸شمسی، تعداد نقشه‌ها به نه می‌رسد که نشان‌دهنده یک دوره خاص از توجه به جغرافیا و تاریخ است (وزارت فرهنگ، ۱۳۱۸).

در برخی سال‌ها، مانند ۱۳۱۶ش، تعداد نقشه‌ها به دو می‌رسد که نشان‌دهنده توجه به جزئیات خاص جغرافیایی است و این موضوع به نیاز به بررسی دقیق‌تر مناطق خاص یا رویدادهای تاریخی مرتبط است؛ با توجه به تاریخ‌های ذکرشده، می‌توان نتیجه گرفت که نقشه‌ها به‌طور مستقیم با تحولات تاریخی و سیاسی دوره رضاشاه مرتبط‌اند. به‌طور کلی،

روند درج نقشه‌های جغرافیایی در کتاب درسی تاریخ دوره رضاشاه نشان‌دهنده توجه به جغرافیا به عنوان یک ابزار مهم برای درک تاریخ و تحولات اجتماعی و سیاسی است. در این دوره، نقشه‌ها به عنوان ابزاری برای نمایش مرزها، مناطق استراتژیک و منابع طبیعی کشور به کار می‌رفتند؛ از آنجا که رضاشاه به دنبال مدرنیزاسیون و تقویت هویت ملی بود، نقشه‌ها به طور خاص به تبیین موقعیت جغرافیایی ایران در برابر کشورهای همسایه و قدرت‌های جهانی می‌پرداختند و تلاش می‌کردند تا تصویر مثبتی از پیشرفت‌های کشور ارائه دهند (صورت مذاکرات جلسات شورای عالی آموزش و پرورش (معارف)، ۱۳۱۶: جلسه ۳۵۶).

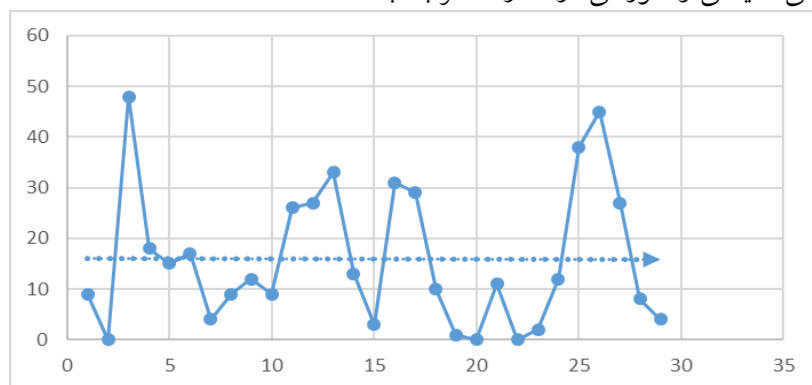
علاوه بر این، تغییرات در نقشه‌ها نشان‌دهنده سیاست‌های داخلی و خارجی رضاشاه است؛ برای مثال، تمرکز بر مناطق خاصی از کشور و تغییرات مرزی می‌تواند به تلاش‌های او برای تثبیت قدرت و کنترل بر مناطق مختلف اشاره داشته باشد؛ همچنین، نقشه‌ها به عنوان ابزاری برای آموزش و آگاهی بخشی به مردم درباره جغرافیای کشور و اهمیت آن در سیاست‌های ملی و بین‌المللی مورد استفاده قرار گرفتند. به طور کلی، روند درج نقشه‌های جغرافیایی در این دوره، بازتاب‌دهنده تحولات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ایران در زمان رضاشاه است.



(نمودار-۱۱): روند تصاویر تمدنی و... در کتاب‌های درسی تاریخ دوره رضاشاه پهلوی

برای تحلیل روند تصاویر تمدنی و دیگر تصاویر، می‌توان به نکات زیر اشاره کرد که در سال‌های اولیه (۱۳۰۵ تا ۱۳۰۷ ش)، تعداد تصاویر تمدنی تدریجی افزایش می‌یابد؛ نمودار

(۱۱). در سال ۱۳۰۸ش، تعداد تصاویر به شدت کاهش می‌یابد (تنها یک تصویر)؛ این کاهش ممکن است به تغییرات در رویکرد آموزشی یا محتوای کتاب‌های درسی مربوط باشد. سال ۱۳۱۸ش با ۹۸ تصویر، اوج تعداد تصاویر تمدنی را نشان می‌دهد. این افزایش به توجه ویژه به فرهنگ و تمدن ایرانی در آن زمان مرتبط است، به ویژه در دوره‌ای که رضاشاه به دنبال مدرنیزاسیون و نوسازی کشور بود. در ادامه، پس از سال ۱۳۱۸ش، تعداد تصاویر تمدنی به ۷۶ در سال ۱۳۱۹ش و سپس به ۱۹ در سال ۱۳۲۰ش کاهش می‌یابد. در سال‌های ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۷ش، تعداد تصاویر نسبتاً ثابت است، اما در سال‌های بعدی نوسانات زیادی مشاهده می‌شود؛ پس روند تصاویر تمدنی در کتاب‌های درسی تاریخ دوره رضاشاه نشان‌دهنده تغییرات در توجه به جنبه‌های فرهنگی و تمدنی در آموزش تاریخ است (همان، ۱۳۱۷: جلسه ۳۸۳). اوج تصاویر در سال ۱۳۱۸ش و کاهش بعدی آن می‌تواند به تغییرات اجتماعی، سیاسی و آموزشی در آن زمان مرتبط باشد.



(نمودار-۱۲): روند درج تصاویر شخصیت‌های تاریخی در کتاب‌های درسی تاریخ دوره رضاشاه پهلوی

روند درج تصاویر شخصیت‌های تاریخی در نمودار (۱۲)، نشان می‌دهد که در ابتدا و در سال ۱۳۰۶ش، تعداد تصاویر شخصیت‌های تاریخی به ۳۳ افزایش می‌یابد. این افزایش ممکن است به توجه به تاریخ و شخصیت‌های مهم در آن زمان مرتبط باشد. در سال‌های ۱۳۰۷ و ۱۳۰۸ش، تعداد تصاویر نوسان دارد (هجده و چهار تصویر) (بنگرید به: رمزی، ۱۳۰۷؛ فرهپور، ۱۳۰۸). این نوسانات به تغییرات در رویکرد آموزشی یا محتوای کتاب‌های درسی اشاره می‌کند. در ادامه، سال ۱۳۴۷ق با ۴۸ تصویر، اوج تعداد تصاویر شخصیت‌های تاریخی را نشان می‌دهد؛ برای مثال درج تصاویر شخصیت‌هایی نظیر امیرکبیر، محمدعلی شاه و عین‌الدوله که شخصیت‌های تأثیرگذار در تاریخ معاصر ایران بوده‌اند؛ تصاویر (۲۱ تا

۲۳). این افزایش به توجه ویژه به تاریخ و شخصیت‌های مهم در آن زمان مرتبط است (صورت مذاکرات جلسات شورای عالی آموزش و پرورش (معارف)، ۱۳۰۷: جلسه ۱۱۹). در سال‌های ۱۳۱۵ و ۱۳۱۷ش، تعداد تصاویر به شدت کاهش می‌یابد (سه و صفر تصویر). بعد از این سال، تعداد تصاویر به ۳۸، ۴۵ و ۲۷ می‌رسد که نشان‌دهنده نوسانات قابل توجهی است؛ پس چنانکه پیش‌تر اشاره شد در دوره رضاشاه نسبت تصاویر به صفحات به‌طور میانگین حدود یک تصویر در هر شش صفحه است؛ در حالی که در دوره قاجار، نسبت تصویر به متن بسیار پایین‌تر و نقش تصویر بیشتر تزئینی و فرعی بود. این تغییر کمی، نشانه ساده‌ای از گسترش محتوا نیست، بلکه بازتابی از دگرگونی در رژیم دانایی تاریخی است (کریمی، ۱۴۰۴: ۱۵). در این دوران، تصویر به ابزاری برای دولت‌سازی بصری بدل می‌شود و گفتمان تاریخی از روایت‌محوری به سمت گفتمان دیداری قدرت حرکت می‌کند.



عین‌الدوله
(تصویر-۲۳): عین‌الدوله (همان، ۶۵)



(تصویر-۲۲): محمدعلی شاه
(همان، ۶۶)



(تصویر-۲۱): امیرکبیر (مترجم السلطنه زرین قلم، ۱۳۴۷: ۵۹)

در ادامه، بیش از نیمی از تصاویر (حدود ۴۸ درصد) ماهیتی تمدنی دارند و چهل درصد به شخصیت‌های تاریخی اختصاص یافته‌اند؛ درمقابل، تصاویر جنگی تنها نه درصد و نقشه‌ها پنج درصد از کل تصاویر کتاب‌های درسی دوره مورد بررسی را تشکیل می‌دهند. این توزیع نابرابر نشان‌دهنده آن است که در گفتمان آموزشی رضاشاهی، قدرت سیاسی از مسیر فرهنگ و تمدن بازنمایی می‌شود، نه از مسیر نظامی‌گری یا جغرافیا. از منظر گفتمان‌شناسی، تصاویر تمدنی (مانند معابد، آثار باستانی، بناهای تاریخی و نمادهای فرهنگی) بازتاب گفتمان ملی‌گرایی باستان‌گرا هستند؛ گفتمانی که با بهره‌گیری از نشانه‌های بصری گذشته درخشان ایران، هویت مدرن را مشروعیت می‌بخشد. در این چهارچوب، تاریخ به مثابه میراث تمدنی بازسازی و تصویر به زبان مشروعیت‌بخش دولت بدل می‌شود.

| تحول بازنمایی تاریخ در تصویر: مطالعه‌ای نظام‌مند بر محتوای دیداری کتاب‌های درسی تاریخ ایران | ۱۲۱

تصاویر شخصیت‌ها نیز بخشی از همین پروژه بازنمایی قدرت‌اند؛ آنان چهره‌های نمادین ملت‌سازی هستند که با تأکید بر خرد، نظم و اقتدار، نقش الگوهای تربیتی را در نهاد آموزش ایفا می‌کنند (صورت مذاکرات جلسات شورای عالی آموزش و پرورش (معارف)، ۱۳۰۱: جلسه ۴).



ساختمان وزارت خارجه

(تصویر-۲۵): ساختمان وزارت خارجه (همان، ۱۹۱)



بیمارستان شاهرضا در تهران

(تصویر-۲۴): بیمارستان شاه رضا (وزارت فرهنگ،

۱۳۱۹: ۱۹۲)



نمای خارجی موزه تهران

(تصویر-۲۷): موزه ایران (باستان) (همان، ۱۹۵)



آب‌انبار محمد علی شاه تهران

(تصویر-۲۶): آبنبار گندم (همان، ۱۹۴)

درمقابل، حضور اندک تصاویر جنگی و نقشه‌ها نشان‌دهنده تداوم گفتمان اخلاقی- فرهنگی قدرت است. دولت رضاشاه، برخلاف حکومت‌های مدرن نظامی‌محور، می‌کوشد قدرت را نه در جنگ، بلکه در نظم، سازندگی و تمدن تجسم بخشد. نقشه‌ها نیز گرچه اندک‌اند، اما در خود دلالتی مهم دارند؛ شکل‌گیری تدریجی نگاه سرزمینی و ملی به ایران. از این منظر، می‌توان گفت که نقشه در گفتمان آموزشی رضاشاهی، نخستین نشانه بصری دولت - ملت مدرن است؛ تصویری از جغرافیای اقتدار. از سال ۱۳۰۵ تا ۱۳۲۰ش، روند استفاده از تصاویر در کتاب‌های درسی تاریخی ایران به تدریج افزایش یافته و در سال ۱۳۱۸ش به اوج خود می‌رسد. از منظر گفتمانی، این روند را می‌توان بازتاب ظهور یک رژیم حقیقی مدرن دانست که بر اساس آن، دانش تاریخی در قالب نشانه‌های بصری

سازمان می‌یابد؛ در این رژیم، تصویر دیگر ابزار تزئینی نیست، بلکه عنصری تولیدکننده معناست؛ عنصری که قدرت سیاسی از طریق آن نظم ادراکی جامعه را شکل می‌دهد. به تعبیر فوکو، در چنین نظامی دیدن خود شکل دانستن است (Foucault, 1971: 25).



دکتر فوکو، در تهران جنوب



فضای آلوده خمیس، که تهران را از راه کرج و مرودشت
کامران چالوس و قزوین، منظره منظره



پل راه آهن تهران، شمال
به سمت تهران، تهران جنوب



هنرمندان دخترانه
در تهران جنوب

(تصویر-۲۸): راه چالوس، هنرستان دخترانه (همان، ۱۸۹ و ۱۸۴)
(تصویر-۲۹): پل راه آهن جنوب، راه آهن شمال (همان، ۱۸۶-۱۸۷)

دولت رضاشاه با نوسازی نظام آموزشی و تأکید بر کتاب‌های درسی جدید، نوعی اقتصاد بصری قدرت ایجاد کرد که در آن، دانش تاریخی از طریق تصویر آموزش داده می‌شود تا حافظه جمعی را در خدمت ملت‌سازی سامان دهد (صورت مذاکرات جلسات شورای عالی آموزش و پرورش (معارف)، ۱۳۱۷: جلسه ۳۷۴). پس، این فرایند نه تنها کمی، بلکه کیفی است؛ هرچه سهم تصاویر تمدنی و شخصیت‌محور بیشتر می‌شود، فاصله از گفتمان سنتی و حرکت به سمت گفتمان مدرن و تجددگرایی افزایش می‌یابد (مانند تصاویر مؤسسات و صنایع جدید چون پل ورسک، پل راه آهن جنوب، هنرستان دخترانه و دیگر موارد)؛ تصاویر (۲۴ تا ۲۹)؛ در نتیجه، ساختار تولید دانش تاریخی در آموزش رسمی

| تحول بازنمایی تاریخ در تصویر: مطالعه‌ای نظام‌مند بر محتوای دیداری کتاب‌های درسی تاریخ ایران | ۱۲۳

رضاشاهی برپایه نوعی هم‌نشینی دانش و اقتدار شکل می‌گیرد؛ تصویر به ابزار تربیتی، آموزشی و ایدئولوژیک بدل و آموزش تاریخ از بازگویی گذشته به بازسازی آینده تبدیل می‌شود. در این چهارچوب، تحلیل تصاویر نه تنها نشان‌دهنده تغییر در روش آموزش، بلکه بازتابی از چرخش اپیستمی در ساختار قدرت-دانش ایران است؛ چرخشی از روایت سستی به نظم دیداری مدرن.

بنابراین، در پاسخ به پرسش نخست مبنی بر اینکه چه تفاوت‌های کمی و گفتمانی میان بازنمایی‌های تصویری کتاب‌های درسی تاریخ در دوره قاجار و رضاشاه وجود دارد؟ تفاوت بنیادین این دو دوره نه تنها در میزان استفاده از تصویر، بلکه در نوع کارکرد گفتمانی آن نهفته است. در دوره قاجار که هنوز نظام آموزشی ایران در مرحله شکل‌گیری و نهاده‌سازی قرار داشت، نسبت تصاویر به صفحات پایین و پراکندگی داده‌ها چشمگیر است؛ چنان‌که با توجه به تعداد کل صفحات کتاب‌های درسی تاریخ این دوره (۵۸۲۴ صفحه)، در هر هفت صفحه تنها یک تصویر مشاهده می‌شود و محتوای بصری بیش از آنکه حامل معنا باشد، جنبه تزئینی و تزیینی دارد.

اما در دوره رضاشاه، تحلیل آماری و گفتمانی تصاویر نشان از گذار آشکار از گفتمان سستی به گفتمان انضباطی مدرن دارد؛ تغییری که فوکو آن را نشانه ورود دانش به عرصه حکومت‌مندی مدرن می‌داند (Villadsen, 2015: 149). در این دوره، نسبت تصاویر به صفحات (از تعداد ۷۰۶۲ صفحه کتاب‌های درسی تاریخ) به‌طور محسوس افزایش یافته (در هر شش صفحه یک تصویر) و تنوع تصویری از حیث کمی و کیفی بهبود یافته است. افزایش تصاویر تمدنی و شخصیت‌ها (به ترتیب ۴۸ و ۴۰ درصد از کل تصاویر) دلالت بر آن دارد که تصویر به ابزاری نظام‌مند برای ساختن سوژه مدرن ایرانی بدل شده است؛ سوژه‌ای که باید درکی هم‌زمان از میراث فرهنگی و اقتدار ملی داشته باشد. در چهارچوب نظری فوکویی، این تحول مصداق گسترش شبکه‌های قدرت در حوزه آموزش است که از طریق سازمان‌دهی نگاه و کنترل بازنمایی، بدن‌ها و ذهن‌ها را در مسیر نظم جدید اجتماعی هدایت می‌کند (Chaput, 2009: 92). در سطح آماری، افزایش چشمگیر تصاویر تمدنی در سال ۱۳۱۸ش (اوج با ۹۸ تصویر) با تمرکز سیاست‌های مدرنیزاسیون و نوسازی فرهنگی هم‌زمان است؛ به گونه‌ای که تصویر، در پیوند با گفتمان مدرن رضاشاهی، نقش رسانه‌ای برای تثبیت ایدئولوژی دولت ایفا می‌کند؛ درمقابل، کاهش محسوس تصاویر جنگی و

نقشه‌ها، هرچند در ظاهر به معنای بی‌توجهی به جنبه‌های نظامی و جغرافیایی است، اما از منظر گفتمان قدرت می‌توان آن را نشانه مرکززدایی از خشونت آشکار و جایگزینی آن با نظم بصری انضباطی دانست؛ یعنی گذار از قدرت سرکوبگر به قدرت تنظیمی که از طریق تصویر، هویت و اطاعت را بازتولید می‌کند (Pfahl, 2017: 32). از دید کریپندورف، بسامد و تکرار تصویری نه تنها شاخصی کمی، بلکه نشانه‌ای از ساختار معنا در گفتمان است. در همین راستا، فراوانی بالای تصاویر تمدنی و شخصیت‌ها در کتاب‌های درسی دوره رضاشاه را می‌توان بازتاب ساختار معنایی جدیدی دانست که در آن، تصویر حامل دانش مشروع و نشانه‌ای از نظم بصری مدرن است؛ به این ترتیب، تفاوت بنیادین دو دوره در آن است که در دوره قاجار تصویر هنوز ابزاری کمکی و غیرگفتمانی است، اما در دوره رضاشاه، تصویر به سازوکار مرکزی در تولید دانش تاریخی، مشروعیت سیاسی و حافظه ملی تبدیل می‌شود؛ فرایندی که از منظر فوکویی، بیانگر تثبیت رژیم بصری قدرت در نظام آموزشی مدرن ایران است (کریمی، ۱۴۰۴ الف: ۷).

۶. نتیجه‌گیری

بازنمایی‌های تصویری در کتاب‌های درسی تاریخ ایران از دوره قاجار تا پایان سلطنت رضاشاه، نه امری خنثی و صرفاً آموزشی، بلکه سازوکاری معرفتی و گفتمانی برای تولید و بازتولید نظم قدرت بوده است. تحلیل آماری و گفتمانی تصاویر، آشکار ساخت که تصویر در نظام آموزشی قاجار بیشتر در خدمت بازنمایی شکوه سنت و استمرار سلطنت قرار داشت و به عنوان ابزار تزئینی و تفسیری عمل می‌کرد؛ در حالی که در دوره رضاشاه، تصویر به رسانه‌ای نظام‌مند و آگاهانه برای تربیت سوژه مدرن، انضباط‌پذیر و وطن‌دوست تبدیل شد (تصاویر ۲۴ تا ۲۷). این گذار را می‌توان در چهارچوب نظری فوکویی به منزله تغییر از قدرت حاکمیتی به قدرت انضباطی تفسیر کرد که از طریق کنترل نگاه و بازنمایی بصری، حافظه تاریخی و ادراک سوژه را شکل می‌دهد (تصاویر ۲۸ و ۲۹). یافته‌های کمی نیز این تغییر گفتمانی را به‌طور روشن بازتاب می‌دهند: افزایش سهم تصاویر تمدنی و شخصیت‌ها و کاهش تصاویر جنگی و نقشه‌ها، به معنای چرخش از گفتمان سلطنت سستی به گفتمان دولت مدرن و ملی‌گرای رضاشاهی است. از این منظر، تصویر در کتاب‌های درسی تاریخ نه تنها ابزاری برای آموزش گذشته، بلکه رسانه‌ای برای سامان‌دهی به آینده بوده است؛

رسانه‌ای که از طریق سازمان‌دهی حافظه جمعی و بازنمایی گزینشی تاریخ، نظم اجتماعی مطلوب دولت را تثبیت می‌کرد؛ باتوجه به یافته‌های این پژوهش، می‌توان نتیجه گرفت که کتاب درسی تاریخ در ایران، همچنان نیازمند بازاندیشی انتقادی است تا از سطح بازنمایی ایدئولوژیک به سطح گفت‌وگوی چندصدایی میان روایت‌های تاریخی ارتقا یابد. در شرایط کنونی، کاربردی‌ترین دستاورد این پژوهش برای سیاست‌گذاران آموزشی، ضرورت بازتعریف نقش تصویر در کتاب‌های درسی است؛ به‌ویژه در عصر رسانه‌ای امروز که تصویر، بیش از متن، در شکل‌دهی به آگاهی تاریخی نسل جوان اثرگذار است.

با این حال، این پژوهش همچون هر مطالعه تجربی دارای محدودیت‌هایی است که باید در ارزیابی نتایج آن مورد توجه قرار گیرد؛ نخست آنکه داده‌ها تنها شامل دو دوره تاریخی مشخص (قاجار و رضاشاه) است و تداوم گفتمانی در دوره محمدرضاشاه و پس از انقلاب اسلامی بررسی نشده است؛ از این رو، مطالعه تطبیقی میان سه دوره می‌تواند روندهای کلان‌تری را آشکار سازد؛ دوم آنکه تحلیل کمی تصاویر هرچند امکان سنجش فراوانی و الگوهای آماری را فراهم کرده، اما لایه‌های معنایی و بینامتنی فرهنگی تصاویر را به‌صورت کامل بازنمی‌تاباند. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی، رویکردهای ترکیبی‌تر نظیر نشانه‌شناسی اجتماعی، تحلیل گفتمان چندوجهی و تحلیل دیداری انتقادی برای بررسی عمیق‌تر پیوند میان متن، تصویر و سیاست آموزشی به‌کار گرفته شود. از منظر انتقادی، نظام آموزشی ایران هنوز در دام بازنمایی تک‌صدایی تاریخ گرفتار است و تصویر در کتاب‌های درسی امروز نیز بیشتر حامل گفتمان رسمی و اقتدارگرایانه است، نه میدان گفت‌وگوی اجتماعی؛ از این رو، پیشنهاد می‌شود که سیاست‌گذاران آموزشی در بازنگری کتاب‌های درسی، از الگوهای متنوع فرهنگی و دیدگاه‌های جایگزین بهره گیرند تا آموزش تاریخ از ابزار قدرت به عرصه آگاهی، تفکر انتقادی و درک چندوجهی گذشته تبدیل شود؛ افزون‌بر این، پژوهش‌های آینده می‌توانند با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین تحلیل تصویری (نظیر هوش مصنوعی و بینایی ماشینی) به تحلیل داده‌های دیداری در مقیاس وسیع بپردازند و روندهای گفتمانی در دوره‌های متأخر را به‌صورت پویا و میان‌رشته‌ای دنبال کنند. درنهایت، این پژوهش نشان داد که تحلیل تصویر، هنگامی که در پیوند با نظریه‌های گفتمانی و قدرت قرار گیرد، می‌تواند به ابزاری مؤثر برای نقد ایدئولوژی و بازاندیشی در نقش آموزش تاریخی در جامعه معاصر تبدیل شود.

فهرست منابع

- اکبری، محمدعلی (۱۳۹۳)، *تبارشناسی هویت جدید ایرانی (عصر قاجاریه و پهلوی اول)*، چاپ دوم، تهران: علمی و فرهنگی.
- اکبری، محمدعلی و شکورقهاری، معصومه (۱۳۹۱)، «وجوه فرهنگی ایرانیت در متون درسی عصر پهلوی اول (کتاب‌های تاریخ، جغرافیا و ادبیات فارسی)»، *مسکویه*، سال ۷، ش ۲۳، صص ۷-۳۲.
- امیری، حسن و ابراهیم‌زاده، عیسی (۱۳۸۹)، «ترسیم هویت ایرانی در کتاب‌های درسی ادبیات فارسی و تاریخ مقطع متوسطه ایران از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۴»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه شهید بهشتی.
- بیگدلو، رضا و مرسلی، ثریا (۱۳۹۶)، «بازنمایی هویت نژادی در کتاب‌های درسی تاریخ مدارس ابتدایی و دبیرستان در دوره پهلوی اول»، *مطالعات تاریخ فرهنگی (پژوهش‌نامه انجمن ایرانی تاریخ)*، سال ۹، ش ۳۴، صص ۱-۲۴.
- جعفریان، رسول (۱۴۰۳)، «تحلیل و تفسیر متن تاریخ ایران، دوره مقدماتی (۱۳۲۹ ق / ۱۹۱۱ م) تألیف آقاشیخ عبدالرزاق مسئله‌گوی قمی (م ۱۳۲۹ ش)»، *آینه پژوهش*، سال ۳۵، ش ۲۰۶، صص ۶۱۷-۷۵۶.
- حامدی، زهرا (۱۳۹۲)، «آسیب‌شناسی تدوین کتب و مسائل آموزشی درس تاریخ در دوره رضاشاه»، *مطالعات تاریخ فرهنگی*، سال پنجم، ش ۱۷، صص ۲۱-۴۰.
- خسروانیا، حمیدرضا و ابراهیم‌زاده، عیسی (۱۳۸۷)، «ترسیم هویت ملی (ایرانی) در کتاب‌های درسی تاریخ متوسطه از سال ۱۳۴۳-۱۳۸۵»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه شهید بهشتی.
- سعیدی، حوریه (۱۳۷۹)، «مقدمه‌ای بر سیر تحول کتاب‌های تاریخ در مدارس از دارالفنون تا پایان دوره پهلوی اول»، *تاریخ معاصر ایران*، ش ۱۳-۱۴، صص ۲۵-۶۲.
- سلیمی، حسین (۱۳۹۷)، «تبار رمانتیکی گفتمان ملت‌گرایی دوره پهلوی اول و آموزش هویت ملی در کتاب‌های درسی دبستان»، *مطالعات تاریخ فرهنگی*، سال دهم، ش ۳۶، صص ۷۷-۱۰۴.
- صفت‌گل، منصور (۱۳۷۸)، «تاریخ‌نویسی درسی در ایران از دارالفنون تا برافتادن فرمانروایی قاجاران»، *دانشگاه انقلاب*، ش ۱۱۲، صص ۱۵۳-۱۹۶.
- عسکرانی، محمدرضا (۱۳۸۹)، «آسیب‌شناسی آموزش تاریخ در نظام تعلیم و تربیت ایران: بررسی موردی عصر قاجار تا پایان دوره رضاشاه»، *مطالعات تاریخ فرهنگی*، سال دوم، ش ۵، صص ۱۴۳-۱۷۰.
- فرامرزی، اعظم، کلهر، محمد و خدری‌زاده، علی‌اکبر (۱۴۰۰)، «ترویج آموزه‌ها و مفاهیم ملی در محتوای کتاب‌های درسی تاریخ در عصر پهلوی دوم: کاربست نظریه تحلیل گفتمان تاریخی روث وداک»، *پژوهش‌های تاریخی*، سال ۱۳، ش ۴، صص ۷۷-۹۲.
- کریمی، امیر (۱۴۰۳ الف)، «کارکردهای ارتش‌سالارانه آموزش تاریخ در آلمان نازی و ایران دوره رضاشاه: مطالعه تطبیقی»، *مطالعات تاریخ انتظامی*، سال ۱۱، ش ۴۲، صص ۸۳-۱۰۴.
- کریمی، امیر (۱۴۰۴ الف)، «بازنمایی زنان در کتاب‌های درسی تاریخ دوره پهلوی دوم: تحلیل بر اساس اندیشه‌های فوکو»، *تحقیقات تاریخ اجتماعی*، سال ۱۵، ش ۲، صص ۱۹۵-۲۳۳.
- کریمی، امیر (۱۴۰۴ ب)، «تدریس تاریخ در مدارس: چالش و راهکارها از دید نشریات ایران (۱۳۳۰-۱۳۵۷ ش)»، *پژوهش در آموزش مطالعات اجتماعی*، سال ۷، ش ۲، صص ۶۷-۸۴.

تحول بازنمایی تاریخ در تصویر: مطالعه‌ای نظام‌مند بر محتوای دیداری کتاب‌های درسی تاریخ ایران | ۱۲۷

کریمی، امیر (۱۴۰۴ج)، «میراث رضاشاهی در کتاب‌های درسی تاریخ پهلوی: رویکردی نشانه‌شناختی به بازنمایی قدرت و هویت»، *مطالعات تاریخ فرهنگی (پژوهش‌نامه انجمن ایرانی تاریخ)*، سال ۱۷، ش ۶۵، صص ۱-۳۶.

کریمی، امیر، عباس قدیمی قیداری و محمد سلماسی‌زاده (۱۴۰۳ب)، «مطالعه تطبیقی کارکردهای آموزش تاریخ در آلمان نازی (۱۳۲۴-۱۳۱۲ش، ۱۹۳۳-۱۹۴۵م) و ایران دوره رضاشاه پهلوی (۱۳۲۰-۱۳۰۴ش، ۱۹۲۵-۱۹۴۱م)»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه تبریز.

ملائی توانی، علیرضا (۱۳۹۵)، *گفتمان تاریخ‌نگاری رسمی دوره پهلوی پیرامون رضاشاه*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

ملائی توانی، علیرضا (۱۴۰۰)، *چالش‌های تاریخ‌ورزی در ایران امروز*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

وجدانی، فرزین (۱۴۰۲)، *تحول تاریخ‌نگاری در ایران معاصر: آموزش، ملی‌گرایی و فرهنگ نشر*، ترجمه امیر سعید الهی، تهران: نشر کتاب پارسه.

کتاب درسی

کتاب درسی قاجار

امید، میرزا حسین‌خان (۱۳۴۳ق)، *تاریخ ایران امید دوره سوم مخصوص سال سوم و چهارم مدارس ابتدایی ایران*، بی‌جا: بی‌نا.

بیرجندی، سید محمد (۱۳۳۷ق)، *تاریخ انقلاب کبیر فرانسه*، تهران: کتابخانه سعادت.

تهرانی، محمدعلی (بی‌تا)، *تاریخ مختصر انبیاء*، تهران: کتابخانه علمی.

حکیم‌الهی قمشه‌ای، عبدالحسین (۱۳۳۵ق)، *تاریخ مقدس اسلام: شرح حالات و غزوات و کلمات خاتم‌الانبیاء*، تهران: کتابخانه گل‌بهار.

سید علی‌خان (۱۳۴۲ق)، *تاریخ مختصر عالم مصور: مخصوص کلاس پنجم و ششم مدارس ابتدایی*، تهران: کتابخانه مهدیه (تیمچه حاج‌الدوله).

فروغی، محمدحسین (۱۳۲۸ق)، *تاریخ مختصر ملل شرق*، بی‌جا: بی‌نا.

فروغی، محمدعلی (۱۳۱۵)، *تاریخ اسکندر کبیر*، بی‌جا: بی‌نا.

فروغی، محمدعلی (۱۳۱۸ق)، *دوره ابتدایی از تاریخ عالم (ج ۱)*، تهران: بی‌نا.

فروغی، محمدعلی (۱۳۳۴ق)، *تاریخ مختصر عالم برای سال پنج و ششم مدارس ابتدایی*، تهران: سعادت.

فروغی، محمدعلی (۱۳۳۵ق)، *تاریخ ایران از تکالیف سال پنجم و ششم مدارس ابتدایی*، تهران: اقبال.

فروغی، محمدعلی (۱۳۴۳ق)، *تاریخ مختصر عالم: برای سال پنجم و ششم مدارس*، تهران: کتابخانه ایران (تیمچه حاج‌الدوله).

فروغی، محمدعلی (۱۳۴۳ق)، *تاریخ مختصر ایران و عالم (پنج و ششم ابتدایی)*، تهران: مطبعه حقیقت.

کاتوزیان تهرانی، محمدعلی (۱۳۳۱ق)، *تاریخ مختصر انبیاء*، تهران: کتابخانه علمی.

کازرونی، ابوالحسن (۱۳۳۲ق)، *لطائف التواریخ: مشتمل بر تاریخ قدیم کلدان - مدی - فرس - مکدونیه برای شاگردان درجه سوم و چهارم*، بی‌جا: بی‌نا.

۱۲۸ | مطالعات تاریخ فرهنگی، شماره ۶۸ |

لاویس، ارنست (۱۳۳۱ق)، *اساس جمشیدی (تاریخ جهان و عمومی)* درسی، ترجمه کریم خان معاون نظام، تهران: مطبعه میرزا علی اصغر.

مترجم السلطنه، علی خان (۱۳۳۵ق)، *تاریخ ایران: از تکالیف سال پنجم و ششم مدارس ابتدایی*، تهران: کتابخانه اقبال.

میرزا حسین خان (۱۳۲۷ق)، *تاریخ ایران، از تکالیف سال دوم، بی جا: بی نا.*

میرزا حسین خان (۱۳۳۱ق)، *تاریخ ایران از تکالیف سال دوم*، تهران: چاپخانه مصدق.

کتاب درسی رضاشاه پهلوی

خسروپور، مجموعه امیر (۱۳۴۷)، *تاریخ مختصر ایران و قسمتی از تاریخ عالم برای سال پنجم و ششم مدارس ابتدایی*، تهران: کتابخانه سعادت.

رمزی، سید حسین خان (۱۳۰۷)، *تاریخ مقدماتی ایران به ضمیمه عصر پهلوی*، مختص سال دوم و سیم مدارس، تهران: کتابخانه علمیه اسلامی و اخوان کتابچی.

شیبانی، عبدالحسین و دیگران (۱۳۱۸)، *تاریخ سال اول دبیرستان*، تهران: چاپخانه مجلس.

فروغی، محمد علی (۱۳۰۷)، *تاریخ مختصر ایران و عالم برای سال پنجم و ششم مدارس ابتدایی ایران*، تهران: مطبعه حسینی.

فروودی، حسین (۱۳۱۵)، *دوره تاریخ عمومی: جلد سوم برای سال سوم دبیرستانها*، تهران: شرکت مطبوعات.

فرهپور، میرزا مهدی خان (۱۳۰۸)، *تاریخ عمومی فرهپور: مخصوص کلاس ششم مدارس ابتدایی*، تهران: کتابخانه علمی (تهران) و کتابخانه دانش (کرمانشاه).

مترجم السلطنه زرین قلم، اقبال، حسین (۱۳۴۷)، *تاریخ مختصر ایران: جهت سال سیم و چهارم مدارس ابتدایی ایران*، تهران: کتابخانه اقبال.

وزارت فرهنگ (۱۳۱۹ب)، *تاریخ سوم دبیرستانها*، بی جا: چاپخانه بانک ملی ایران.

وزارت فرهنگ (۱۳۱۸)، *تاریخ سال اول دبیرستانها*، بی جا: چاپخانه مجلس.

وزارت فرهنگ (۱۳۱۹الف)، *تاریخ سال دوم دبیرستانها*، بی جا: چاپخانه تابان.

یاسمی، غلامرضا رشید (۱۳۲۰)، *تاریخ ایران برای تدریس در سال پنجم و ششم ابتدایی*، تهران: انتشارات شرکت طبع کتاب.

اسناد

صورت مذاکرات جلسات شورای عالی آموزش و پرورش (معارف)، ۱۳۰۱، جلسه ۴، تهران: دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش.

صورت مذاکرات جلسات شورای عالی آموزش و پرورش (معارف)، ۱۳۰۲، جلسه ۲۸، تهران: دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش.

صورت مذاکرات جلسات شورای عالی آموزش و پرورش (معارف)، ۱۳۰۷، جلسه ۱۱۹، تهران: دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش.

صورت مذاکرات جلسات شورای عالی آموزش و پرورش (معارف)، ۱۳۱۶، جلسه ۳۵۶، تهران: دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش.

صورت مذاکرات جلسات شورای عالی آموزش و پرورش (معارف)، ۱۳۱۷، جلسه ۳۷۴، تهران: دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش.

صورت مذاکرات جلسات شورای عالی فرهنگ، ۱۳۱۷، جلسه ۳۸۳، تهران: دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش.

- Chaput, C. (2009), "Regimes of truth, disciplined bodies, secured populations: an overview of Michel Foucault", *Science Fiction Film & Television*, 2(1), 91-104.
- Foucault, M. (2020), "Power/knowledge", in *The new social theory reader*, London: Routledge, 73-79.
- Foucault, M. (1971), "Orders of discourse", *Social science information*, 10(2), 7-30.
- Krippendorff, K. (1989), "Content analysis", *International encyclopedia of communication*, 1(1), 403-407.
- Krippendorff, K. (2018), *Content analysis: An introduction to its methodology*, London: Sage publications.
- Pfohl, S. (2017), "Foucault and the Visual Reconstitution of Criminological Knowledge", *Oxford Research Encyclopedia of Criminology and Criminal Justice*, Oxford: Oxford Press.
- Ruslan, A. (2024), "Analysis of History Textbooks: A Review of Michel Foucault's Power Relations Theory", *KnE Social Sciences*, 344-353.
- Villadsen, K. (2015), "Governmentality: Foucault's concept for our modern political reasoning", in *Education Policy and Contemporary Theory*, London: Routledge, 147-159.

Transliteration

- Akbari, Mohammad Ali (2014), *Genealogy of the New Iranian Identity (Qajar and First Pahlavi Era)*, 2nd edition, Tehran: Elmi va Farhangi.
- Akbari, Mohammad Ali and Shakourghahari, Masoumeh (2012), *Cultural Aspects of Iranianess in the Textbooks of the First Pahlavi Era (History, Geography and Persian Literature Books)*, Miskaveh, 7(23), 7-32.
- Amiri, Hassan and Ebrahimzadeh, Eissa (2010), *Depicting Iranian Identity in the Textbooks of Persian Literature and History of Iranian Secondary Schools from (1941 to 1965)*, Master's Thesis, Shahid Beheshti University.
- Askarani, Mohammad Reza (2010), *Pathology of History Teaching in the Iranian Education System: A Case Study from the Qajar Era to the End of Reza Shah's Period*, Cultural History Studies, 2(5).
- Bigdalo, Reza and Mursali, Soraya (2017), *Representation of Racial Identity in History Textbooks of Elementary and High Schools in the First Pahlavi Period*, Cultural History Studies (Research Journal of the Iranian History Association), 9(34), 1-24.
- Faramarzi, Azam, Kalhor, Mohammad and Khodari Zadeh, Ali Akbar (2021), *Promoting National Doctrines and Concepts in the Content of History Textbooks in the Second Pahlavi Era: Applying Ruth Wedak's Theory of Historical Discourse Analysis*, Historical Research, 13(4), 77-92.
- Hamed, Zahra (2013), *Pathology of History Textbook Compilation and Educational Issues in the Reza Shah Era*, Cultural History Studies, 17, 21-40.
- Jafarian, Rasoul (2024), *Analysis and Interpretation of the Text of Iranian History, Preliminary Course (1911 CE) by Agha Sheikh Abdol Razzaq Qomi Problem Solver (d. 1911 CE)*, Aineh Pahoejosh, 35(206), 617-756.

- Karimi, Amir (2024a), *Military-authoritarian functions of history education in Nazi Germany and Iran during the period of Reza Shah: a comparative study*, Quarterly of Police Historical Studies, 11(42), 83-104.
- Karimi, Amir (2025a), *Teaching History in Schools: Challenges and Solutions from the Perspective of Iranian Publications (1958-1968)*, Quarterly journal of research in social studies education, 7(2), 67-84.
- Karimi, Amir (2025b), *Reza Shah's Legacy in Pahlavi History Textbooks: A Semiotic Approach to the Representation of Power and Identity*, Muṭāliāt-i tārikh-i farhangī, 17(65), 1-36.
- Karimi, Amir (2026), *Representation of Women in History Textbooks of the Second Pahlavi Period: An Analysis Based on Foucault's Thoughts*, Tahqiqāt-e Tārikh-e Ejtemā'i (Social History Studies), 15(2), 195-233.
- Karimi, Amir, Abbas Ghadimi Gaidari and Mohammad Salmasizadeh (2024b), *A Comparative Study of the Functions of History Education in Nazi Germany (1933-1945) and Iran during the Reza Shah Pahlavi Period (1925-1941)*, Master's Thesis, University of Tabriz.
- Khosravanian, Hamidreza and Eissa Ebrahimzadeh (2008), *Depicting National (Iranian) Identity in Secondary History Textbooks from 1964-2006*, Master's Thesis, Shahid Beheshti University.
- Mollai Tavani, Alireza (2016), *The Official Historiographical Discourse of the Pahlavi Period Around Reza Shah*, Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies.
- Mollai Tavani, Alireza (2021), *The Challenges of History in Today's Iran*, Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies.
- Saeedi, Hourieh (2000), *An Introduction to the Evolution of History Textbooks in Schools from the Dar al-Fonun to the End of the First Pahlavi Period*, Contemporary History of Iran, 13-14, 25-62.
- Salimi, Hossein (2018), *The Romantic Origin of the Nationalist Discourse of the First Pahlavi Period and the Teaching of National Identity in Elementary School Textbooks*, Cultural History Studies, 36, 77-104.
- Sefat Gol, Mansour (1999), *History Writing in Iran from the Dar al-Fonun to the Fall of the Qajar Rule*, Enghelab University, 112, 153-196.
- Vojdani, Farzin (2023), *The Evolution of Historiography in Contemporary Iran: Education, Nationalism and Culture*, translated by Amir Saeed Elahi, Tehran: Parse Book Publishing.

Textbooks

Qajar Period Textbooks

- Birjandi, Sayyed Mohammad (1919), *The History of the Great French Revolution*, Sa'adat Library.
- Foroughi, Mohammad Ali (1936), *A Brief History of Alexander the Great*, Bina.
- Foroughi, Mohammad Ali (1926), *A Brief History of Iran and the World (Fifth and Sixth Grades of Elementary School)*, Tehran: Haqiqat Printing House.
- Foroughi, Mohammad Ali (1926), *A Brief History of the World: For the Fifth and Sixth Years of Elementary Schools*, Tehran: Iran Library (Hajeb al-Dowleh Timcheh).
- Foroughi, Mohammad Ali (1915), *A Brief History of the World for the Fifth and Sixth Years of Elementary Schools*, Tehran: Sa'adat.
- Foroughi, Mohammad Ali (1900), *Elementary Course in World History, Vol. 1*, Tehran: Bina.
- Foroughi, Mohammad Ali (1916), *Iranian History as Part of the Fifth- and Sixth-Year Elementary School Curriculum*, Tehran: Eqbal.
- Foroughi, Mohammad Hossein (1910), *A Brief History of the Nations of the East*, Bina.
- Hakim al-Ilahi Qomshaei, Abd al-Hossein (1916), *The Sacred History of Islam: An Account of the Life, Campaigns, and Sayings of the Seal of the Prophets*, Tehran: Golbahar Library.
- Katozian Tehrani, Mohammad Ali (1913), *A Brief History of the Prophets*, Tehran: Scientific Library.

- Kazeruni, Abolhasan (1914), *Lata'if al-Tawarikh: Comprising the Ancient History of the Chaldeans, Medes, Persians, and Macedonians, for Third- and Fourth-Grade Students*.
- Lavis, Ernest (1913), *Jamshidi Foundation (General and World History) Textbook*, translated by Karim Khan Mo'aven-e Nezam, Tehran: Matba'eh-ye Mirza Ali Asghar.
- Motarjem al-Saltaneh, Ali-Khan (1916), *The History of Iran: From the Curriculum of the Fifth and Sixth Years of Elementary Schools*, Tehran: Eqbal Library.
- Mirza Hossein-Khan (1910), *The History of Iran: From the Curriculum of the Second Year*, Bina.
- Mirza Hossein-Khan (1913), *The History of Iran: From the Curriculum of the Second Year*, Tehran: Mosaddegh Printing House.
- Omid, Mirza Hossein-Khan (1926), *Omid's History of Iran: A Third-Year Textbook for the Third and Fourth Years of Iranian Elementary Schools*.
- Seyyed Ali-Khan (1924), *An Illustrated Brief History of the World: For the Fifth and Sixth Grades of Elementary Schools*, Tehran: Mahdieh Library (Hajeb al-Dowleh Timcheh).
- Tehrani, Mohammad Ali (n.d), *A Brief History of the Prophets*, Tehran: Elmi Library.

Reza Shah Pahlavi Period Textbooks

- Farahoodi, Hossein (1936), *Course in General History, Vol. 3: For the Third Year of Secondary Schools*, Tehran: Matbu'at Company.
- Farahpour, Mirza Mahdi-Khan (1929), *Farahpour's General History: For the Sixth Grade of Elementary Schools*, Tehran: Scientific Library and Danesh Library (Kermanshah).
- Foroughi, Mohammad Ali (1928), *A Brief History of Iran and the World for the Fifth and Sixth Grades of Iranian Primary Schools*, Tehran: Matba'eh-ye Hosseini.
- Khosrowpour, Majmu'eh Amir (1968), *A Brief History of Iran and Part of World History for the Fifth and Sixth Years of Elementary Schools*, Tehran: Sa'adat Library.
- Ramzi, Seyyed Hossein-Khan (1928), *An Introductory History of Iran, with an Appendix on the Pahlavi Era: For the Second and Third Years of Schools*, Tehran: Islamic Scientific Library and Akhavan Ketabchi.
- Shaibani, Abdolhossein, et al. (1939), *History for the First Year of Secondary School*, Tehran: Majles Printing House.
- Yasemi, Gholamreza Rashid (1941), *The History of Iran for Teaching in the Fifth and Sixth Years of Elementary School*, Tehran: Ketab Publishing Company.
- Ministry of Culture (1939), *History: First Year of Secondary Schools*, Majles Printing House.
- Ministry of Culture (1940a), *History: Second Year of Secondary Schools*, Taban Printing House.
- Ministry of Culture (1940b), *History: Third Year of Secondary Schools*, Bank Melli Iran Printing House.
- Motarjem al-Saltaneh Zarrinkalam, Eqbal, Hossein (1968), *A Brief History of Iran: For the Third and Fourth Grades of Iranian Primary Schools*, Tehran: Eqbal Library.

Documents

- Minutes of the Meetings of the Supreme Council of Education (Ma'arif) (1922), Session 4, Tehran: Secretariat of the Supreme Council of Education.
- Minutes of the Meetings of the Supreme Council of Education (Ma'arif) (1923), Session 28, Tehran: Secretariat of the Supreme Council of Education.
- Minutes of the Meetings of the Supreme Council of Education (Ma'arif) (1928), Session 119, Tehran: Secretariat of the Supreme Council of Education.
- Minutes of the Meetings of the Supreme Council of Education (Ma'arif) (1937), Session 356, Tehran: Secretariat of the Supreme Council of Education.
- Minutes of the Meetings of the Supreme Council of Education (Ma'arif) (1938), Session 374, Tehran: Secretariat of the Supreme Council of Education.
- Minutes of the Meetings of the Supreme Council of Culture (1938), Session 383, Tehran: Secretariat of the Supreme Council of Education.

The Evolution of Historical Representation in Imagery: A Systematic Study of Visual Content in Iranian History Textbooks during the Qajar and Pahlavi Eras (1897–1941)

Extended Abstract

Introduction: History textbooks have long functioned as more than instructional resources; they constitute one of the principal instruments through which states construct collective memory, disseminate official historical narratives, and cultivate national identity. Among the various components of textbooks, images play a particularly influential role because they communicate ideological meanings through visual representation, often shaping historical consciousness more effectively than written narratives alone. In Iran, the emergence of modern education during the late Qajar period and the extensive educational reforms implemented under Reza Shah transformed not only the structure of schooling but also the visual language employed in history textbooks. Images gradually evolved from supplementary illustrations into strategic instruments for communicating political, cultural, and ideological messages.

Despite the growing body of scholarship on Iranian history education, nationalism, and textbook discourse, previous studies have concentrated primarily on textual analysis, educational policies, and ideological narratives. Systematic quantitative investigations of visual representations remain scarce, particularly those integrating statistical analysis with discourse theory. To address this gap, the present study combines Michel Foucault's theory of discourse and power/knowledge with Krippendorff's quantitative content analysis to examine how visual representations in Iranian history textbooks evolved from the Qajar period to the end of Reza Shah's reign.

The primary objective of the present study was to identify the quantitative and discursive patterns of historical images and to explain their role in constructing historical knowledge, legitimizing political authority, and shaping national identity. Accordingly, the study addressed three research questions: (1) What quantitative and discursive differences exist between visual representations in Qajar and Reza Shah history textbooks? (2) How do the four categories of images—civilizational images, military images, geographical maps, and historical personalities—contribute to the construction of power and national identity? and (3) How can quantitative image analysis reveal transformations in the production of historical knowledge within Iran's formal educational system?

Method: This study adopted a descriptive-analytical design using quantitative content analysis. The sample population consisted of Iranian history textbooks published during the Qajar period and the reign of Reza Shah. A total of 76 history textbooks were systematically collected from

authoritative historical repositories, including the Ayatollah Boroujerdi Digital Library and the Agha Bozorg digital archive. From these sources, 2,008 historical images were extracted and analyzed, including 838 images from 37 Qajar textbooks and 1,170 images from 39 textbooks published during Reza Shah's rule.

Image served as the unit of analysis. Each image was coded according to four principal categories: civilizational images, military scenes, geographical maps, and historical figures. Additional coding variables included representational theme, educational function, historical context, and ideological orientation. To ensure methodological rigor, coding procedures were completed in two stages, including pilot coding and the main coding process, followed by intercoder reliability assessment. Statistical analyses relied primarily on descriptive techniques, including frequencies, percentages, and temporal trend analyses. Finally, quantitative findings were interpreted through Foucault's concepts of discourse, power/knowledge, and regimes of truth, together with Krippendorff's theoretical framework for quantitative content analysis, enabling the integration of statistical evidence with critical discourse interpretation.

Findings: The findings demonstrate a substantial transformation in the visual structure of Iranian history textbooks across the two historical periods. During the Qajar era, visual materials remained relatively limited, averaging approximately one image for every seven pages, indicating the predominance of text-centered historical instruction. In contrast, textbooks published during Reza Shah's reign contained approximately one image for every six pages, reflecting a gradual expansion of visual educational content. Content analysis further revealed that civilizational images and portraits of historical figures constituted the dominant categories in both periods, although their ideological functions differed considerably. In Qajar textbooks, images primarily reinforced dynastic legitimacy, cultural continuity, and traditional historical narratives while serving mainly as supplementary illustrations supporting written text. Visual representations rarely functioned as independent producers of historical meaning.

By contrast, during the Reza Shah period, images assumed a far more active pedagogical and ideological role. Civilizational images increasingly emphasized ancient Iranian heritage, modernization, architecture, and national achievements, while portraits of historical figures promoted exemplary national identities aligned with state-building objectives. Military images and geographical maps, although representing a relatively smaller proportion of total illustrations, became more prominent than in the Qajar period contributing to constructing concepts of territorial integrity, national sovereignty, and the emerging modern nation-state.

Temporal analysis further demonstrated a steady increase in visual materials throughout the Reza Shah period, culminating around 1939–1940, coinciding with the peak of educational modernization policies. Overall, the results indicate that visual representations evolved from decorative and

explanatory elements into powerful instruments for producing historical knowledge, legitimizing political authority, and institutionalizing official collective memory.

Discussion and Conclusion: The findings suggest that the transformation of images in Iranian history textbooks cannot be explained solely by technological developments in printing or improved educational publishing. Rather, the observed changes reflect a deeper transformation in the relationship between knowledge, power, and historical representation. During the Qajar period, images functioned primarily as auxiliary components that reinforced textual narratives. Under Reza Shah, however, visual representation became an integral mechanism through which the state organized historical consciousness, promoted nationalism, and legitimized modernization policies.

From a Foucauldian perspective, this transition represents a shift from traditional sovereign forms of historical representation toward disciplinary forms of visual governance, where images actively participate in producing regimes of truth and shaping collective memory. Simultaneously, Krippendorff's quantitative framework demonstrates that the frequency and distribution of visual categories are not merely descriptive statistics but indicators of broader ideological structures embedded within educational discourse.

Therefore, it can be concluded that history textbook images should be understood as significant epistemological and political instruments rather than neutral educational illustrations. These findings highlight the need for critically reconsidering the visual content of contemporary history textbooks by incorporating multiple historical perspectives, greater cultural diversity, and more balanced representations of the past. Future research is encouraged to extend this analytical framework to later historical periods and to employ emerging technologies, including artificial intelligence and computer vision, for large-scale visual analysis of educational materials.

Keywords: History Textbooks, Visual Representation, Power/Knowledge, Qajar Period, Reza Shah Pahlavi, Quantitative Content Analysis.